



حسین خضری

حماهای دیگر در تاریخ مقاومت و آزادی

توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه، توطئه‌ای بود آزادی  
خلق کرد ۵۰۴

حقیقت در کردستان؛ آزادی و مقاومت است نه توطئه و اعدام

شنبه ۹ بهمن ۱۳۸۹ / ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱

هفته‌نامه‌ی سیاسی-اجتماعی-فرهنگی دوره‌ی دوم شماره‌ی ۴



هفته‌نامه‌ی آترناتیو

مرکز مطبوعات حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)

سردبیر

آزاد احمدی



پژاک

# ۱۵ فوریه

## روز قتل عام کردهاست



### دست‌نوشته‌ی شهید شیرین علم‌هولی در خصوص ۱۵ فوریه در زندان اوین

صفحه ۱۲



### بیانیه‌ی PJAK

## در اعتراض به اعدام فرهاد تارم



تجدید

جزئیات خبری

ملت کرد و خانواده‌ی شهدا و به‌ویژه خانواده‌ی شهید فرهاد تارم اعلام می‌داریم. در ایران تمامی خلق‌ها و به‌ویژه خلق کرد، با انواع شیوه‌های قتل عام و کشتار روبه‌رو می‌شوند و در همان حال جوانان مبارزمان که جهت دستیابی به حقوق خود و خلق‌شان در تلاشند، هر روز با انواع شکنجه و فشار در زندان‌ها روبه‌رو می‌شوند. حکم اعدام، تحت هر عنوان و نامی که باشد عملی وحشیانه و ضدبشری و به‌دور از معیارهای انسانی است که هر روز از جانب رژیم ایران اعمال می‌گردد. PJAK در انتهای بیانیه از تمام ملت کرد و احزاب و سازمان‌های سیاسی خواسته است تا با مبارزاتی مشترک علیه این سیاست‌ها اقدام نمایند. لازم به ذکر است که فعال سیاسی کرد فرهاد تارم در سال ۱۳۸۶ توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران بازداشت و در دادگاه انقلاب شهر اورمیه به اتهام عضویت در حزب دموکرات کردستان ایران محکوم به اعدام گردید.

روز چهارشنبه، زندانی سیاسی کرد فرهاد تارم از اهالی روستای لورکان منطقه‌ی دشته‌بیل اشنویه، به اتهام عضویت در حزب دموکرات کردستان ایران در زندان مرکزی اورمیه به دار آویخته شد. کوردیناسیون حزب حیات آزاد کردستان (PJAK) طی انتشار بیانیه‌ای، ضمن تسلیت به خانواده‌ی نام‌برده و تمامی ملت کرد، از همه‌ی احزاب و سازمان‌های سیاسی خواست تا با مبارزات مشترک علیه چنین اعمالی اقدام نمایند. کوردیناسیون حزب حیات آزاد کردستان (PJAK)، در ابتدای بیانیه‌ی خود با اشاره به فشارهای اخیر رژیم ایران علیه ملت کرد و زندانیان سیاسی می‌افزاید: حکومت در این روزها به نسل‌کشی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی آزادی‌خواهان متوسل شده است. PJAK در این بیانیه با اشاره به اعدام فعال سیاسی و عضو حزب دموکرات کردستان، فرهاد تارم در ۲۶ ژانویه در زندان اورمیه چنین می‌نویسد: ابتدا مراتب تسلیت خود را به تمامی

## دیاربکر (آمد) آخرین درخواست رفیق هیمن را به‌جای آورد

حسین خضری از اعضای PJAK که در زندان اورمیه اعدام گردید در آخرین درخواست خود از مردم کُرد خواسته بود تا مراسم یادبودی در شهر آمد، برایش برگزار نمایند. در این رابطه کردستانیان پس از یک راهپیمایی به محل برگزاری دومین روز این مراسم رفتند. در پی وصیت حسین خضری مراسم سه‌روزه‌ی یادبود وی، در شهر آمد از روز گذشته آغاز و امروز وارد دومین روز خود شد. امروز عده‌ی زیادی از مردم شهر آمد (دیاربکر)، ابتدا در مقابل دفتر مرکزی حزب صلح و دموکراسی BDP تجمع کردند و با در دست گرفتن پوسترهایی از حسین خضری، در حالی که شعارهای «شهیدان زنده‌اند»، «مرگ پر رژیم ایران» و «مبارزه و مقاومت» را تکرار می‌کردند به طرف محل برگزاری مراسم، راهپیمایی کردند. صلاح‌الدین دمیرتاش و گلتن کشاناک رؤسای مشترک BDP، محمدمعلی آیدین مسئول تشکیلات BDP در دیاربکر (آمد) و تعداد زیادی از مسئولین سازمان‌های مدنی و نمایندگان مردم در این مراسم حضور داشتند. صلاح‌الدین دمیرتاش در این مراسم طی سخنانی با اشاره به سکوت اروپا در رابطه با اعدام‌های اخیر ایران گفت حکومت ایران که به‌ویژه دو سال است بر اعدام جوانان کرد اصرار دارد باید به‌خوبی آگاه باشد که با توسل به چنین شیوه‌هایی نخواهد توانست مردم کرد را وادار به سکوت نماید. قرار است فردا در سومین روز از مراسم یابود حسین، مراسم مولودخوانی برگزار شود.

## یکپارچگی و اتحاد علیه اعدام

اوین زلان

سال تازه‌ی میلادی همزمان بود با آغاز موج تازه‌ی از اعدام‌ها در جمهوری اعدام. رژیم برای سرکوب ناراضی‌های داخلی همچنان به سیاست‌های اعدام و قتل‌عام ادامه می‌دهد. در دو هفته‌ی اخیر روزانه شاهد اجرای احکام اعدام در ایران بودیم. دولت درصدد است تا با این اعدام‌ها همچنان به سیاست ارباب جامعه ادامه دهد؛ علاوه بر آن با ملت‌بازیه کردن جامعه خواهان واداشتن خلق به سکوتی ابدی است تا بتواند به راحتی به غضب ارزش‌های جامعه و پایمال کردن حق و حقوق طبیعی خلق‌ها ادامه دهد. آنچه که در میانه‌ی امتیازدهی و امتیازگیری‌های دیپلماتیک اخیر مابین ایران و دیگر کشورهای منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه برپا شد بازهم جوانان کرد بودند. ایران به اقتضای منافع سیاسی خویش همیشه جوانان این خلق را با بهانه‌های مختلف و تحت عناوین محاربه و جرم سیاسی - که امروزه در ایران همچون گناه کبیره محسوب می‌شود- قربانی کرده است. ۱۶ زندانی سیاسی دیگر هم امروز در زندان‌های ایران با همان بهانه‌ها در انتظار مرگ خویش می‌باشند. جمهوری اسلامی با مطرح کردن حکم اعدام حبیب‌الله لطفی، در واقع برای اعدام رفیق همین (حسین خضری) زمینه‌سازی می‌نمود. اعدام رفیق همین در ۵،۱۲،۲۰۱۱ و بدون آگاهی خانواده و موکل ایشان، نشان بارزی بود از سیاست‌های توطئه‌گرانه و منفعت‌پرستانه‌ی این رژیم. در حالیکه قرار بود در ۱۵ همان ماه مساله‌ی اجرا شدن و یا عدم اجرای این حکم آشکار گردد. اعلام خبر اجرای این حکم پس از چند روز آن هم به شکلی مبهم و بدون اشاره به نام حسین خضری حکایت از ترس و خوف ایران از واکنش خلفمان در هر چهار بخش و به‌ویژه شرق کردستان دارد. همچنان که خلفمان در مساله‌ی اجرای حکم اعدام حبیب جواب لازم را به رژیم داده بود. محاصره‌ی تمامی شهرها و مرزهای شرق کردستان در راستای سرکوب هرگونه واکنش و حاکم ساختن فضایی از رعب و وحشت در این بخش از کردستان بود. اما مساله این است که این خود رژیم است که ترس و خوف به دل دارد نه خلق کرد؛ ترس و خوفی که حتی اجازه نمی‌دهد خبر اجرای این حکم به خانواده و به وکیلش داده شود و یا حتی جنازه‌اش را تحویل دهد. مذاکرات مابین مقامات ایران، ترکیه، عراق و به‌ویژه برخی مسئولان حکومت اقلیمی جنوب کردستان پیش از اجرای حکم اعدام حسین خضری و قبل از آن نیز در موضوع اعدام دیگر زندانیان کرد ثابت کرد که در موضوع هم‌پیمانی مابین این کشورها به‌مانند همیشه خلق کرد و خون جوانانش مورد معامله قرار گرفته است. در این بین می‌توان به ایستار غیراخلاقی و بازیچه‌گشتن برخی مسئولان جنوب کردستان اشاره کرد که به نوعی می‌توان آنان را مسبب اصلی عدم اتحاد و همبستگی خلق کرد عنوان نمود. به‌جاست که این اقدام را خیانت به خلق کرد و قاتل واقعی حسین را نیز هوشیار زیباری دانست. سرهلدان، صیان از رفیق قهرمان، انقلابی و مبارز خلق کرد شهید همین در تمامی کردستان و خارج از کردستان نشان داد که هر چند دول اقتدارگرای منطقه همدستان سرکوب خلقمان می‌باشد اما این خلق به سطحی از آگاهی، شناخت و ادراک هویتی و ملی رسیده که قادر باشد از جوانان مبارز خویش حمایت و صیانت به‌عمل آورد و در برابر این اقدامات وحشیانه سکوت اختیار نکند. خلق کرد نشان داد که دیگر سیاست‌های قتل‌عام و اعدام نخواهد توانست آنان را از حرکت بازدارد و اراده‌ی کرد در هر کجا که باشد اراده‌ی یکپارچه بوده و این خلق اجازه نخواهد داد که این خواست و اراده پایمال شود.



## رهبر آپو: پانزدهم فوریه، تاریخ قتل‌عام خلق کرد است

چکیده‌ی متن دیدار با رهبر خلق کرد (عبدالله اوجالان)

همچنین با اشاره به مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی ترکیه گفت که تصور اخذ چنین موضعی از سوی آنان دور از ذهن نبود. «رهبر آپو» این موضع شورای عالی امنیت ملی ترکیه را پاسخ به متن دفاعیات پنجم خود عنوان کرد و از رئیس‌جمهور ترکیه، عبدالله گل که در سفری به شهر آمد (دیاربکر) از تعدادی نهادهای مدنی دیدار کرده بود، انتقاد کرد و گفت: در موضع آنها، اراده‌ی ملت و نمایندگان آن اهمیتی ندارد. او برای انکار شما به ملاقات‌تان آمده است و شما هم هیچ اعتراضی به این امر نشان ندادید. BDP (حزب صلح و دموکراسی) هم این عملکرد را به‌دستی ارزیابی نکرد. بهترین تحلیل‌ها را روزنامه‌نگاران انجام دادند. یکی از آنها گفت که عبدالله گل برای از بین بردن رنج و تلاش بیست-سی ساله‌ی اخیر آمده بود؛ این روزنامه‌نگاران مساله را به‌درستی درک نموده و واقعیت را بر زبان آورده‌است. «رهبر آپو» بیان اینکه در مرحله‌ی انتخابت امکان تشکیل اتحاد ملی و دموکراتیک وجود دارد خاطرنشان کرد که باید کلیت‌دارا و جلوی آماده‌ی گفتگو با BDP باشد. همچنین با توجه به وابستگی حزب عدالت و توسعه به نیروهای خارجی، به‌خصوص انگلیس گفت: گلا دیوی که در سال ۱۹۵۰ تحت نظر ناتو ایجاد شد، تاکنون به استیلا خود ادامه می‌دهد. AKP بخشی از گلا دیوی را که مستقل عمل می‌کرد از بین برد، اما با آن بخشی که تحت کنترل ناتو باقی مانده بود به توافق رسید. «رهبر آپو» از توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه همچون تاریخ نابودی کرد، نام برد و در این رابطه چنین گفت: پانزدهم فوریه تاریخ قتل‌عام خلق کرد است. این مساله‌ی تنها وابسته به من نیست. تاریخ توطئه جهت نابودی ملت کرد، با از بین بردن شیخ سعید آغاز شد و با انجام توطئه علیه من، تداوم یافت. خالد جبرانی قصد قیام داشت، و این در زمانی بود که شیخ سعید هیچ‌گونه آمادگی‌ای برای انجام این کار نداشت؛ چنین قصدی هم نداشت. اما شما هم واقفید که در نتیجه‌ی دسیسه‌ها و توطئه‌هایی شیخ سعید وارد عرصه شد. «رهبر آپو» با اشاره به واقعیت‌های تاریخی می‌گوید که مصطفی کمال نیز در آن زمان از جانب انگلیسی‌ها تحت محاصره بود. وی حکومت خود را همزمان با تنش‌های مابین شوروی و انگلیس اعلان نمود و در آن‌زمان انگلیسی‌ها از یهودیان ترکیه حمایت می‌کردند. «رهبر آپو» این مورد را چنین تحلیل کرد: جمهوری ترکیه همچون تکیه‌گاه و مرکز برای حکومت اسرائیل ایجاد شد؛ همچون حکومتی پیش از حکومت اسرائیل تشکیل گردید. بر همگان آشکار است که در این مسیر، ابتدا آناتولی را از وجود مسیحی‌ها پاک کردند؛ کشتارهای دسته‌جمعی علیه ارمنه، آشوری‌ها و سریانی‌ها انجام دادند. کشتارهایی که علیه مسیحی‌ها و کردها انجام شد از همدیگر متمایزند. در توطئه‌ی کشتار مسیحی‌ها به اهدافشان دست یافتند، اما قتل‌عام کردها ناموفق بود. به‌علت این ناکامی، کشتار همه‌جانبه علیه کردها به شکل فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام گرفت و تاکنون نیز این رویکرد تداوم می‌یابد. «رهبر آپو» افزود: حاکمیت انگلیس بر ترکیه از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۵۰ ادامه داشت، اما پس از این سال کنترل ترکیه به‌دست آمریکا و گلا دیوی وابسته به ناتو افتاد. ایشان در مورد گلا دیوی و نقش حکومت ترکیه در آن نیز این چنین گفت: تخلیه و ویرانی هزاران روستا و هزاران جنایت فاعل مجهول، به دستور ناتو انجام نگرفته است. ناتو چنین فرمان‌هایی نداده بود. این اقدامات توسط گلا دیوی که در ترکیه به‌صورت مستقل تشکیل شده بود، انجام گ

بی‌وقفه ادامه دارند. می‌گویند آنها را زندانی می‌کنیم تا میدان را در اختیار بگیریم. اما این رویکرد آنها نتیجه‌بخش نخواهد بود. «رهبر آپو» با تصریح اینکه در بین دست‌اندرکاران حکومتی نیز کسانی وجود دارند که نسبت به این عملیات‌ها معترضند، گفت: نمی‌دانم جنبش خلق کرد به چه میزان آگاه و مطلع است، اما خطر توطئه‌ی نابودی‌ای که از سوی حزب عدالت و توسعه در جریان است کمتر از توطئه‌هایی نیست که رژیم (سازمان اطلاعات ژاندارمری ترکیه) انجام می‌داد. در سال ۲۰۱۰ مشخص شد که برنامه و توطئه‌های حزب عدالت و توسعه با شکست مواجه شده‌اند. «رهبر آپو» ضمن فراخواندن خلق کرد به هوشیاری هرچه بیشتر در برابر این توطئه‌ها، خطرات موجود را چنین تشریح نمود: تحولات نشان می‌دهند که حکومت نه تنها هیچ تصمیمی جهت چاره‌یابی صلح‌جویانه‌ی مساله اخذ ننموده، بلکه برعکس تصمیم به نابودی ملت کرد دارد؛ نخست‌وزیر ترکیه کینه‌ی عمیقی علیه ما به دل دارد. خطر قتل‌عام به‌خوبی مشاهده می‌شود. دوازده نفر در زندان به‌سر می‌برند و [حکومت] می‌تواند ۱۰ هزار نفر دیگر را نیز دستگیر کند. چرا که پروژه‌ای [از پیش تعیین شده] در دست دارند؛ خواستار حل مساله نمی‌باشند؛ دارای یک برنامه‌ی کلی برای نابودی هستند. همه‌ی اینها، جزئی از برنامه‌های وسیع و آشکارشان می‌باشد. ۱۵۰۰ ملاً به کردستان فرستاده‌اند و دست به ساخت مساجد جدید زده‌اند. من از شما [خلق] می‌خواهم خودتان به ساخت مساجد و اجرای واردات‌های مذهبی خود بپردازید و پشت‌سر این ملاًهایی که برای عملی نمودن توطئه به کردستان اعزام شده‌اند، نماز نخوانید. هدف حزب عدالت و توسعه، نابودی ملت کرد است. «رهبر آپو» اعلام کرد خطر از آن‌چه که احساس می‌شود وسیع‌تر است. سیاست‌مداران کرد را همچون گروگان در زندان‌ها نگه داشته‌اند. ملت ما باید در مقابل این دادگاه‌های ناعادلانه اعتراضات دموکراتیکش را پیشبرد دهد. حزب عدالت و توسعه و نیروهای خارجی، تمایلی به حل مساله‌ی کرد ندارند. دولت ترکیه با توسل به حمایت خارجی و توافق با نیروهای داخلی، حاکمیتش را تداوم می‌بخشد. بایستی در برابر مسئولان حکومت که نظرات و اراده‌ی مردم را نادیده می‌گیرند، اعتراضاتی انجام داد. ایشان با بیان اینکه، نیروهای خارجی نیز همانند AKP تمایلی بر حل مساله ندارند، گفت: هیچ‌گامی از سوی قدرت‌های بزرگ، از جمله انگلیس و آمریکا برای حل مساله‌ی کرد برداشته نشده است و نمی‌خواهند مساله را چاره‌یابی کنند. آمریکا و انگلیس خواهان حل مساله نیستند و می‌خواهند PKK همچون کارتی استفاده کنند. به همین علت به PKK نیازمندند. برآند به نتیجه‌گیری از پروژه‌ی نشان در عراق، ترکیه را نیز تحت فشار قرار دهند. انگلیسی‌ها مثلی دارند که می‌گوید [لازم است بندر مستحکم باشد]. یعنی اینکه [حکومت] ترک را وابسته به خود کنند، و این همان توطئه‌ی بزرگ است. «رهبر آپو» با اشاره به توافق اردوغان و بایکال در سال ۲۰۰۲ جهت نابودی کردها، گفت: این دو در سال ۲۰۰۲ در کاخی در محله‌ی «بیل‌به‌بی» استانبول به توافق رسیدند که اسناد آن موجود است. پس از این توافق و زمانی که اردوغان در زندان بود، مسیر دست‌یابی‌اش به مقام نخست‌وزیری هموار گردید. بایکال می‌پنداشت که حکومت AKP دوام چندانی نخواهد آورد و پس از ۲ سال از هم می‌پاشد، بدین سبب با اردوغان به توافق رسید. توافق آنها در واقع بر محور کردها استوار بود. برنامه‌ی بایکال، از میان برداشتن کردها توسط AKP بود. در پی کسب نخست‌وزیری در سال ۲۰۰۴ بود. «رهبر آپو»

«رهبر آپو» در دیدار روز چهارشنبه‌ی خود (۲۰۱۱، ۱۹) با وکلایش در رابطه با حل مساله‌ی کرد هشدار داد و گفت: در صورتی که طی مرحله‌ی توقف عملیات‌های نظامی، بر موضع نابودی ملت کرد [از سوی دولت ترکیه] اصرار شود، مقاومتی همه‌جانبه شکل خواهد گرفت. همچنین خاطر نشان ساخت، اگر حکومت گام‌های مثبتی برندارد، در مورد تصمیم ماه ژوئن، تجدیدنظر خواهد کرد. ایشان ضمن اشاره به شرایط نامناسب سلامتی‌اش، از خود به‌عنوان «گروگانی به‌صلیب‌کشیده‌شده»، نام برد و اظهار داشت: در دفاعیاتم موارد لازم را نوشته و وظایف خود را به‌جای آورده‌ام. در صورتی که هدفشان امحا باشد، ملت کرد جهت حفظ موجودیت و آزادی خود، مقاومتی همه‌جانبه را آغاز خواهد نمود. ضرورتیست که هر زمان این موضوع را مورد بحث قرار دهند. جنبش خلق کرد، تصمیم‌گیرنده خواهد بود. بایستی، حکومت جهت چاره‌یابی مساله گام بردارد. در غیر این صورت، من خود را کنار خواهم کشید. تاکنون حکومت هیچ گامی در این راستا برداشته است. امری که من [جهت چاره‌یابی مساله] انجام نداده باشم، نمانده است. در چنین شرایطی شاید لازم باشد که در مورد توقف عملیات تجدید نظر شود. باید این اوضاع به خوبی ارزیابی شود. تاکنون هیچ پروژه‌ی محسوسی در چاره‌یابی مساله‌ی کرد، عرضه نگشته است. «رهبر آپو» ضمن خاطر نشان نمودن اینکه بایستی «دولت برای حل مساله، تصمیم به صلح بگیرد»، گفت: اگر دولت چنین قصدی داشته باشد، به‌راحتی می‌توان تصمیم به برقراری صلح گرفت. پیش‌تر برای مسئولان حکومتی نامه‌هایی فرستاده‌بودم، اما تاکنون هیچ پاسخی به آنها داده نشده است و هیچ گامی جهت حل مساله برداشته‌اند. همچنین با بیان اینکه دولت AKP (حزب عدالت و توسعه) تاکنون هیچ تصمیمی مبنی بر انجام صلح نگرفته، روند دادگاهی‌ها را نیز یک رسوایی حقوقی خواند و گفت: نباید دادگاه حقوق بشر اروپا وارد این بازی‌ها شود؛ احتمالاً توافقات سیاسی صورت گرفته شده باشد، اما زمانی که موضوع شکل حقوقی به‌خود می‌گیرد ضرورتیست، پرنسب‌ها در نظر گرفته شوند. زمانی که درباره‌ی من در ترکیه بحث می‌کنند، حقوق و قانون به بازی گرفته می‌شوند؛ حقوق و قانون به توطئه تغییر می‌یابند. هفته‌ی گذشته، قانون عفو عمومی برای دانشجویان تصویب شد. اما برای آن‌که این قانون شامل وضعیت من نشود، محدودیت‌هایی در آن ایجاد کردند. قبلاً نیز موارد مشابهی وجود داشته‌اند. فقط به‌خاطر آنکه [قوانین صوبه] شامل حال من نشود، از ایجاد اصلاحات در قانون چشم‌پوشی کرده‌اند. لازم است دادگاه حقوق بشر اروپا، وضعیت مرا به‌درستی مورد ارزیابی قرار دهد. حکم اعدام لغو شده، اما با حکم سنگین حبس ابد حکمی مشابه حکم اعدام را اجرا کردند. «رهبر آپو» در ادامه‌ی سخنانش اظهار داشت: رویدادهای موجود، نشان‌دهنده‌ی عدم اخذ تصمیمی جدی از جانب دولت، جهت چاره‌یابی صلح‌طلبانه‌ی مسایل می‌باشد. وی عملیات‌هایی که در راستای قتل‌عام سیاسی در ترکیه روی می‌دهند را به‌عنوان نمونه ذکر کرد و گفت: این عملیات‌ها مهر تأییدی است بر اصرار به توطئه و امحا. حزب عدالت و توسعه در صدد تضمین حاکمیت خویش می‌باشد. ایشان به اپراسیون‌هایی که در راستای قتل‌عام سیاسی کردها، و علی‌رغم توقف عملیات‌های نظامی از جانب KCK انجام می‌گیرند، پرداخت و گفت: اکنون مانند شهر قارص/شهری واقع در شمال کردستان، در جاهای دیگر نیز این عملیات‌ها



## بیانیهی شورای رهبری KCK: AKP خواهان جنگ است

### اعتراضات خلق در شرق میهن

شهرهای اورمیه، سنه، مهاباد، میروان، برخی از مناطق خراسان، سنو و... در شرق کردستان، در چند روز اخیر شاهد واکنش‌های اعتراض آمیز جهت محکوم نمودن اجرای حکم اعدام رفیق هیمین (حسین خضری) بود که سطح و دامنه این اعتراضات روزبه‌روز بیشتر می‌شود و نشان از ارتقاء آگاهی سیاسی خلق‌میان و حضور

انقلابی آنان دارد.



واکنش‌های هم‌گرا و سراسری خلق‌مان، بیانگر یکپارچگی مردم کرد در هر چهار بخش کردستان به‌رغم دیوارهای کشیده‌شده مابین آنهاست و دلیلی است بر عدم دست‌یابی دولت‌های حاکم بر کردستان به اهدافشان که همانا نسل‌کشی در همه‌ی ایضاد آن و به‌تعبیری جامعه‌کشی می‌باشد. دیگر خلق کرد در مقابل چنین جنایاتی سکوت اختیار نخواهد نمود و اقدام علیه هر شخص کرد از سوی دولت در هر بخشی از کردستان، نه تنها در آن مکان بلکه در تمام نقاط کردستان با عکس‌العمل‌هایی در چارچوب دفاع مشروع و دفاع ذاتی روبه‌رو خواهد شد. طی این روزها در بیشتر نقاط شرق کردستان با وجود جو نظامی شدید حاکم، بیانیه پخش گردید و میهن‌دوستان مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

زندانی دیگر و مقاومت مثال‌زدنی آنها بودیم. این هم‌آهنگی و هم‌صدایی چهره‌ای تازه از اتحاد خلق کرد و حساسیت آنها نسبت به سرنوشت یکدیگر در دیگر بخش‌های کردستان را به نمایش گذاشت. اما رسانه‌های لیبرال غرب نه تنها نسبت به این واکنش خلق کرد بلکه در برابر اجرای حکم اعدام حسین (رفیق هیمین اورمیه) نیز سکوت پیشه کردند. این در حالی است که سیاست اعدام در دولت ایران همواره یکی از موضوعات اصلی مورد بحث با بهتر بگویم موضوع استفاده‌ی این رسانه‌ها بوده و گاهی نیز مسأله‌ای را که چندان هم به‌واقعیت خلق‌ها در ایران مربوط نمی‌باشد آنچنان آب و تاب می‌دهند که از مثال کاه و کوه هم سبقت می‌گیرند؛ اما هنگامی که موضوع خلق کرد می‌شود، چشم‌پاشان کور و گوش‌پاشان کر می‌گردند. دلیل آن نیز کاملاً مشهود است، امروز خلق کرد از اراده‌ی مستقل برخوردار بوده و دیگر همچون گذشته به چماق دست دیگران مبدل نمی‌گردد. هر انسان آگاهی نیز کم و بیش این رسانه‌ها را که ادعای بی‌طرف بودن و انعکاس واقعیت را دارند، می‌شناسد و می‌داند که وابسته به چه کسانی بوده و زبانشان زبان کیست؛ هر چه باشد لیبرالند و به‌قول خودشان دموکرات!

کردستان تقویت نماید. KCK در ادامه‌ی بیانیه‌اش با اشاره به دادگاه‌های نسل‌کشی سیاسی تصریح می‌کند: آزادی سیاستمداران کرد به کناری بماند، حتی اجازه نمی‌دهند آنها به‌زبان مادریشان سخن بگویند. موضع‌گیری در برابر این دادگاه‌ها مشخص خواهد کرد که در روزهای آینده چه سیاست‌هایی را اعمال خواهند نمود. زمانیکه جنبش ما اعلام توقف عملیات نمود، یکی از شروط اساسی آن توقف عملیات‌های سیاسی بود که این مورد به‌جای آورده‌نشده. شرط دیگر، آزادی نمایندگان و به‌ویژه کادرهایی بودند که در نتیجه‌ی این اپراسیون‌ها بازداشت شده بودند و می‌بایست که آزاد شوند. در حالیکه اوضاع موجود و گام‌هایی که حکومت در این مسیر برداشته، به‌شکلی بارز نشان می‌دهد که حکومت در صدد انجام چه کاری است. KCK با اشاره به اینکه تمامی شواهد حاکی از آن است که حکومت AKP در پی سیاست‌های امپاگرانه و نسل‌کشی سیاسی است، به ارزیابی موضوع ماه مارس نیز پرداخت. KCK همچنین در ادامه‌ی بیانیه‌ی خود اعلام نمود که آزادی مسئولان حزب‌الله توسط AKP بیانگر آن است که هدفشان حل مسأله‌ی کرد نیست. KCK به جناح‌هایی که خواستار اعلام آتش‌بس شده بودند نیز گفت: سیاست‌هایی که اکنون AKP اعمال می‌کند، تنها در خدمت جنگی گسترده است و هدف دیگری دربر ندارد. علی‌رغم تمامی سیاست‌های صلح‌طلبانه و مسالمت‌آمیز ما به‌عنوان طرف کرد، حکومت AKP بر سیاست‌های خود اصرار داشته و فقط در فکر ادامه‌ی حاکمیت و اقتدار خویش است. بنابراین تا فرصت هست، بایستی به سیاست‌های آن «نه» گفت. در این چارچوب ما تا تمامی جناح‌هایی که خواهان دمکراتیزاسیون ترکیه هستند می‌خواهیم تا در برابر این اقدامات AKP هشیار باشند و ارزش این مرحله‌ی توقف عملیات را بدانند. KCK در خاتمه‌ی بیانیه‌ی خود از خلق کرد خواست است تا مرحله‌ی ایجاد خود-مدیریتی دمکراتیک را هر چه بیشتر تقویت نمایند.

روز پس از تروریست اعلام کردن PJAK از جانب هوشیار زیباری وزیر امور خارجه عراق و عضو دفتر سیاسی PDK صورت گرفت. در این اعتراضات علاوه بر محکوم نمودن دولت ایران، خلقمان نفرت و انزجار خود را نسبت به موضوع هوشیار زیباری نیز بیان داشتند. رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان نیز هفته‌ی گذشته در دیدار با وکلایش این موضوع مسئولان حکومتی در جنوب کردستان را نشانه‌ی ترس آن‌ان از دولت‌های منطقه‌ای و به‌ویژه ایران ارزیابی نموده بود.

### اعتراضات خلق کرد و سکوت رسانه‌های غربی

طی دو هفته‌ای که گذشت خلق کرد در بخش‌های مختلف کردستان و در سایر نقاط جهان به‌خواستند و اعدام حسین خضری کادر PJAK را با برپایی تظاهرات‌هایی باشکوه محکوم کردند. این اعتراضات گسترده که تمامی بخش‌های کردستان، اروپا و افغانستان را دربر گرفت، هم‌زمان با حمایت زندانیان سیاسی کرد در زندان‌های ایران نیز همراه بود؛ چنانکه در زندان اورمیه شاهد اعتصاب غذای خشک حبیب‌الله گل‌پری‌پور، احمد تمویب و چند

K C K در این بیانیه به این مورد اشاره می‌کند که حکومت AKP نه تنها در رابطه با حل مسأله‌ی چشم‌گیری برنداشته است، بلکه برعکس با انجام سیاست‌های پنهان و فریبکارانه در صدد پی‌ریزی جنگ و درگیری است. KCK در بیانیه‌ی خود به روند توقف عملیات و نزدیک شدن ماه مارس نیز اشاره کرده است. KCK می‌افزاید: علی‌رغم روند توقف عملیات که از سوی جنبش اعلام شد، تاکنون حکومت AKP هیچ گام مثبتی جهت حل مسأله‌ی کرد برداشته و برعکس به عملیات‌های قتل‌عام سیاسی ادامه داده است؛ این سیاست، سیاست بسیار خطرناکی است که حکومت AKP مسئول عواقب آن خواهد بود. KCK در رابطه با نتایج این سیاست‌ها چنین می‌گوید: در حالی که انتخابات سراسری نزدیک می‌شود، که بار دیگر گسترش عملیات‌های نابودی سیاسی با هدف درهم‌شکستن نیروهای دموکراتیک و نمایندگان محوری کردها، اصرار این حکومت در چگونگی حل مسأله را بخوبی نمایان می‌سازد. به‌ویژه که در روزهای اخیر در شهرهای باتمان، بتلیس، آگری و برخی از مناطق دیگر کردستان با انجام اپراسیون‌های نابودی سیاسی، ده‌ها سیاستمدار کرد بازداشت شده‌اند. یکی از دلایل رهبر آپو و جنبش ما در ادامه‌ی روند توقف عملیات تا انتخابات، برگزاری این انتخابات در فضایی دموکراتیک بود، اما AKP با سوء استفاده از این روند که ما قصد داریم آن را مسئولانه به پیش بریم، تلاش دارد از آن در راستای نابودی جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد بهره‌گیرد. AKP با این سیاست‌ها سعی می‌کند زمینه‌ی ایجاد کردهای وابسته به خود را در شمال

### اعتراض برخی از نمایندگان پارلمان کردستان به اعدام شهید حسین خضری

اجرای حکم اعدام حسین خضری عضو حزب حیات آزاد کردستان PJAK با اعتراضات گسترده‌ی خلقمان در جنوب کردستان بخصوص در شهرهای سلیمانیه و هولیر همراه بود. این اعتراضات برخی از نمایندگان پارلمان جنوب کردستان را نیز به‌حرکت واداشت. شماری از نمایندگان با اشاره به اعدام حسین خضری و افزایش اجرای احکام اعدام در ایران و سکوت دولت‌های خارجی در قبال این اعدام‌ها آن را محکوم کرده و خواستار توقف اعدام‌ها شدند. شمار این نمایندگان تاکنون ۴۶ کس بوده و انتظار افزایش آن نیز وجود دارد. البته زمانی اعتراض این نمایندگان صورت گرفت که موج تظاهرات و اعتراض‌ها در جنوب کردستان برخلاف خواست مسئولان حکومتی اقلیم کردستان بیشتر شهرها را دربر گرفت؛ می‌توان این واکنش خلقمان را نشانه‌ای از موضع‌گدگانه‌ی خلق در مقایسه با دست‌انداران حکومتی و میزان مسئولیت‌پذیریشان در قبال مسائل ملی برشمرد. لازم به ذکر است که اعدام حسین خضری چند

در مرحله‌ای حساس به‌سر می‌بریم؛ مرحله‌ای که ژرفای کاتوس در خاورمیانه به ابعادی غیرقابل‌تصور رسیده است و هر نیرویی اعم از دولت‌های منطقه و هژمونی گلوبال درصدد گذار از این کاتوس و ساختاربندهی نظامی همسوی با اهدافشان می‌باشند. اما مسأله این است که خاورمیانه نه افریقا، نه بالکان و نه قفقاز و هر کس به‌ویژه نیروهای سرمایه‌ی جهانی دلخواهانه قادر به ایجاد تغییر در ساختارهای آن نمی‌باشند و نخواهند هم بود. شکست این نیروها در تشکیل حکومت عراق، باتلاق افغانستان و سکوتی ضمنی در قبال برنامه‌های هسته‌ای ایران همگی حاکی از ضعف آنها بوده و گواهی است بر بحرانی ساختاری که نظام بدان دچار است. شکست نیروهای سرمایه‌ی جهانی به سرکردگی امریکا در خاورمیانه (به‌ویژه عراق) سبب شده‌است که دولت‌های موقعیت‌گرای منطقه به‌ویژه ایران لگام اسپشان را شل‌تر کرده و بی‌پروا در منطقه جولان دهند. نیروی تاثیرگذار آن در حکومت عراق و لبنان و افزایش مناسبات با کشورهای منطقه به‌رغم دور چهارم تحریم‌ها همگی را می‌توان به حساب ضعف نیروهای فرامنطقه‌ای گذاشت. باز گذاشتن درهای مذاکره با ایران به‌ویژه پس از شکست مذاکرات استانبول نمود بارز این ادعاست. بنابراین آنچه در حال حاضر در منطقه جریان دارد فراتر از نیروهای گلوبال، جنگی است مابین دولت‌های موقعیت‌گرا و خط‌مشی سوم یا دموکراسی رادیکال خلق‌ها به پیشانی جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد. در آستانه‌ی دوازدهمین سالگرد توطئه‌ی ۱۵ فوریه ترافیک شدید دیپلماتیک و هم‌پیمانی‌های این دولت‌ها بیانگر این واقعیت و حاکی از آغاز کنسیتی هم‌جانانه دارد. کنسیتی که این بار هدفش کاربست نیروهای مسلمان‌گرا و نه مسلمان (حزب‌الله) آن هم در چارچوبی گسترده در راستای تصفیه‌ی جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد می‌باشد. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که محور مذاکرات مابین مقامات ایرانی، ترک، سوری و برخی سران حکومت اقلیمی جنوب کردستان امحا و نسل‌کشی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی فیزیکی خلق کرد می‌باشد. همچنانکه در طول یکی دو هفته‌ی اخیر شاهد هرچه بیشتر شدن عملکردهای مشترک این دولت‌ها علیه خلق بوده‌ایم. عملکردهایی که فی‌النفسه بر امتیازدهی و امتیازگیری مبتنی می‌باشند و به‌دور از هرگونه معیار اخلاقی‌اند. در این بین از همه تاسف‌برانگیزتر موضوع حکومت اقلیمی کردستان و چیراغ سبزی است که به‌تمامی این اقدامات کردستیزانه‌ی دولت‌های منطقه‌ای داده است؛ غافل از آنکه دارد روز به روز به فاصله‌ی میان خود و خلق کرد می‌افزاید. بدیهی است که ایستار خلقمان در بخش از کردستان استیاری است متفاوت از موضع‌گیری‌های حکومت. واکنش‌های اعتراضی خلق کرد در جنوب کردستان نسبت به اعدام حسین خضری (رفیق هیمین اورمیه) و اظهارات نسنجیده‌ی برخی مقامات کرد و به موازات آن ناراضحی‌هایی که در شمال کردستان شاهد آن بودیم همگی بیانگر رشد آگاهی هویتی و ملی این خلق و افزایش سطح حساسیتش در قبال وضعیت خلق کرد در دیگر بخش‌های کردستان می‌باشد. راهپیمایی‌های اخیر در شهرهای جنوب و به‌ویژه در سلیمانیه نشان داد که خلق و حکومت به‌هیچ‌وجه دارای درکی مشابه نسبت به دیگر بخش‌های کردستان نبوده و خلق‌ها همیشه و در هر زمانی متفاوت از نیروهای اقتدارگرا عمل‌نموده‌اند.

### زور، زیر جامه‌ی تقوا

حزب عدالت و توسعه را می‌توان در طول تاریخ جمهوری ترکیه که تاریخش با انکار و امحای خلق کرد آغاز شده‌است، یکی از خطرناکترین احزاب دانست؛ چرا که پیش از این حزب انکار و امحا به‌صورتی آشکار صورت می‌گرفت و خلق کرد طرف مقابلش را می‌شناخت. اما این حزب زیر جامه‌ی تقوا و با استثمار احساسات دینی خلق سیاست آسمیالیسیون، از خودبیگانگی و خودباختگی را به‌شکلی نرم و رندانه به پیش می‌برد؛ همان موردی که می‌توان بدان «ترک اسلام» گرای یا فاشیسم سبز گفت. دست به گشایش تلویزیون‌ها ظاهراً کردی می‌زند، اما از سوی دیگر زبان کردی را زبانی ناشناخته عنوان می‌کند. گویا از حقوق برداران فلسطینی‌اش بحث به‌میان می‌آورد، اما برای برداران به‌قول خود کردش

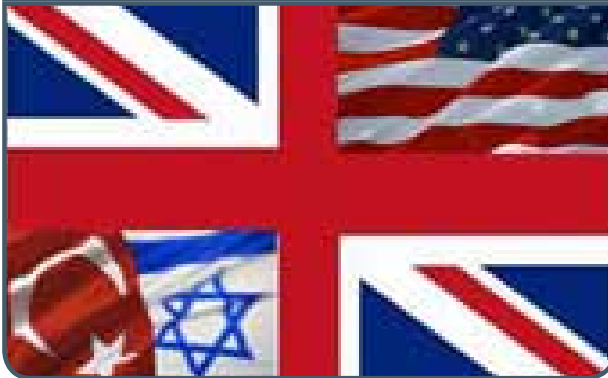


# سیستم امپریالیستی، رویکردهای رهبر آپو، نگرش ایشان درباره‌ی زندگی و برخورداری از ایستاری که به‌هیچ‌وجه ضمیمه‌ی نظام نمی‌شود را برای خود خطری جدی پنداشته‌است. به‌رغم آنکه سیستم سوسیالیستی به آن عظمت و جنبش‌های رهایی ملی را در خدمت منافع خویش قرار داد، قادر به بی‌تأثیرسازی نه رهبر آپو و نه PKK به عنوان حزبی که بدان حیات بخشید و آن را به‌وجود آورد نشد و نتوانست آن را به بازی بگیرد و در خدمت منافعش قرار دهد.

توطئه رهبر آپو را هدف قرار داد؟ بدیهی است که دلیل این اقدام ایستار ایدئولوژیک رهبری، ضدیت وی با نظام و نگرش وی در رابطه با آزادی می‌باشد. سیستم امپریالیستی رویکردهای رهبر آپو، نگرش ایشان درباره‌ی زندگی و برخورداری از ایستاری که به‌هیچ‌وجه ضمیمه‌ی نظام نمی‌شود را برای خود خطری جدی پنداشته‌است. به‌رغم آنکه سیستم سوسیالیستی به آن عظمت و جنبش‌های رهایی ملی را در خدمت منافع خویش قرار داد، قادر به بی‌تأثیرسازی نه رهبر آپو و نه PKK به عنوان حزبی که بدان حیات بخشید و آن را به‌وجود آورد نشد و نتوانست آن را به بازی بگیرد و در خدمت منافعش قرار دهد. برعکس این سیستم در شخص رهبر آپو همیشه مخالفت و نابودی خود را دیده است. قبل از هر چیزی می‌توان گفت به این دلیل است که رهبر آپو را هدف قرار داده است. از طرف دیگر به‌رغم فروپاشی ژئال سوسیالیسم نظام در بحرانی جدی قرار داشت. گرچه نگرش‌هایی را که در راستای طراحی جدید جهان مطرح کرده بود در بیشتر نقاط با موفقیت همراه بود اما این سیاست‌ها در خاورمیانه نتیجه‌بخش نبود؛ و سیاستی گلوبال که در خاورمیانه با موفقیت همراه نباشد شانس برای پیروزی نخواهد داشت. مداخله در خاورمیانه نیز کار چندان آسانی نمی‌نمود. در این بین تا زمانی که رهبری چون رهبر آپو وجود داشته باشد، مداخله در خاورمیانه نمی‌توانست تحقق یابد. تنها در صورت از میان بردن رهبر آپو می‌توانستند این منطقه را مورد مداخله قرار دهند. مداخله‌ی نیروهای ائتلاف در عراق و افغانستان پس از توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه نمی‌تواند تصادفی باشد و رهبر آپو نیز همواره دقت‌ها را به این مساله جلب نموده است. همانطور که اشاره نمودیم دلیل اساسی تحقق این توطئه علیه شخص رهبر آپو را می‌بایست در ضدیت ایشان با نظام و ایستار ایدئولوژیک آزادی‌خواه ایشان جستجو نمود. نظام امپریالیستی در صدد بود تا با بی‌تأثیرسازی رهبر آپو که او را به‌منزله‌ی تنها آلترناتیو خود می‌دید آینده‌اش را تضمین کند. اما پارادایمی را که رهبری در دفاعیات خویش مطرح نمود و گسست همه‌جانبه‌ی ایشان از نظام دولت‌گرایی هیرارشیک و به‌ویژه مدرنیته‌ی

شده بود؛ حکومتی بدون اراده و حتی در سطح و نیرویی نبود که قادر به تصمیم‌گیری باشد. اظهارات نخست‌وزیر وقت ترکیه بولنت اجوید مبنی بر اینکه «نمی‌توانم درک کنم چرا آپو را به ما تحویل دادند» بیانگر این واقعیت می‌باشد. تنها این ارزیابی رهبر

**حکومتی که در سال ۱۹۹۹ قدرت را در دست داشت نیز حکومتی بود که به‌تمامی از سوی امپریالیسم به‌تسلیمیت گرفته شده بود؛ حکومتی بدون اراده و حتی در سطح و نیرویی نبود که قادر به تصمیم‌گیری باشد. اظهارات نخست‌وزیر وقت ترکیه بولنت اجوید مبنی بر اینکه «نمی‌توانم درک کنم چرا آپو را به ما تحویل دادند» بیانگر این واقعیت می‌باشد. تنها این ارزیابی رهبر آپو مبنی بر اینکه توطئه نقشه‌ی نیروهای بین‌المللی بوده و در این بین نقشی که بر عهده‌ی ترکیه می‌افتد صرفاً گاردیانی است، ماهیت این توطئه را در برابر دیدگان قرار می‌دهد.**



آپو مبنی بر اینکه توطئه نقشه‌ی نیروهای بین‌المللی بوده و در این بین نقشی که بر عهده‌ی ترکیه می‌افتد صرفاً گاردیانی است، ماهیت این توطئه را در برابر دیدگان قرار می‌دهد. هدف از این توطئه نیز امحایی بود که به خلق کرد تحمیل می‌شد؛ به همین دلیل است که همواره رهبر آپو این توطئه را عبارت از توطئه‌ی می‌داند که برضد تمامی خلق کرد تحقق یافته است. چرا این

**توطئه‌ی سال ۱۹۲۵ بر بنیان سیاست‌های انگلیس شکل گرفته و در راستای منافع امپریالیسم بوده است. این توطئه موجبات شکستی صدساله را برای خلق‌های خاورمیانه و در راس آن خلق‌های ترک و کرد فراهم نموده است.**

ایالت موصل در جنوب کردستان پس از این عصیان در سال ۱۹۲۶ در پی مقاله‌نامه‌ی آنکارا به انگلیس واگذار شده‌است. اگر کاشتن تخم‌های آشفنگی و کانوسی صدساله مابین خلق‌های کرد و ترک و تلفاتی را که هر دو خلق در این یک سده متحمل شده‌اند را به‌منزله‌ی یک توطئه‌ی انگلیس ارزیابی نماییم به‌خطا نرفته‌ایم و تحلیلمان به‌جا و صحیح

خواهد بود. این دوره‌ی صدساله که نه‌تنها خلق‌های ترک و کرد بلکه خاورمیانه را با شکست مواجه ساخته، نقطه‌ی آغازش عصیانی است که بر بنیان این توطئه شکل گرفته است. این است پشت‌پرده‌ی تاریخی توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه. با تحقق توطئه علیه رهبر آپو خواسته‌اند تا بار دیگر تاریخ را تکرار کنند. رهبر آپو را نیز در این روز به‌دور از هرگونه معیار اخلاقی برده و در زندان امرالی حبس کرده‌اند و در دادگاه‌های امنیت دولت که شبیه به دادگاه‌های استقلال می‌باشند ایشان را دادگاهی کرده‌اند؛ هرچند که به‌ظاهر تصمیمات این دادگاه در یک دادگاه عالی تحت بررسی قرار گرفته باشد نیز، به‌مانند شیخ سعید و همراهانش درست در روز ۲۹ ژوئن ایشان را به اعدام محکوم کرده‌اند. گویی توطئه‌ی ۱۹۲۵ در ۱۹۹۹ به‌روز شده‌است. بدیهی است که به‌شکلی آگاهانه این روزها را انتخاب کرده‌اند و با آن خواسته‌اند به خلق کرد این پیام را بدهند که پایان شما نیز چندان تفاوتی با پایان شیخ سعید نخواهد داشت و بر این اساس در صد برآمده‌اند تا اراده‌ی این خلق را بشکنند. خواسته‌اند تا حالت روحی توأم با شکست را بر این خلق حاکم سازند. به همین دلیل است که رهبر آپو ۱۵ فوریه را توطئه‌ی ارزیابی می‌نماید که برضد خلق کرد طراحی شده و این روز را آغاز تاریخ قتل‌عام عنوان می‌کند. بدیهی است که توطئه‌ی سال ۱۹۲۵ بر بنیان سیاست‌های انگلیس شکل گرفته و در راستای منافع امپریالیسم بوده است. این توطئه موجبات شکستی صدساله را برای خلق‌های خاورمیانه و در راس آن خلق‌های ترک و کرد را فراهم نموده است. این مورد نیز دیگر بر همگان عیان است که توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه در راستای منافع آمریکا، اسرائیل و در راس آن انگلیس و به دست آوردن صد سال دیگر صورت گرفته است. هدف از این توطئه آغازیدن جنگی حداقل صدساله مابین خلق‌های ترک و کرد و با اتکالی بر آن طراحی دوباره‌ی چهره‌ی خاورمیانه براساس منافع نظام امپریالیست بوده است. توطئه‌ی ۱۹۲۵ از طریق

محاصره و بی‌تأثیرسازی آتاترک از سوی برخی ژنرال‌های هوادار انگلیس صورت گرفته است. می‌دانیم که در تاریخی که عصیان شیخ سعید آغاز شد دوست و همراه نزدیک آتاترک و در عین حال نخست‌وزیر وقت ترکیه فتحی اوکیار نخواسته است در این توطئه جای بگیرد؛ با این گفته که دستم را به خون خلق کرد آلوده نخواهم کرد در چیدن نقشه‌ی قتل‌عام خلق‌های نگرفته و استعفا کرده است. به جای او عصمت اینونو به پست نخست‌وزیری منصوب گشته و او نیز بر اساس قوانینی که به‌تصویب مجلس رسانیده دست به قتل‌عام کرده‌ها زده و به این ترتیب به توطئه جامه‌ی عمل پوشانیده است. حکومتی که در سال ۱۹۹۹ اقتدار را دست‌داست نیز حکومتی بود که به‌تمامی از سوی امپریالیسم به‌تسلیمیت گرفته

مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد را هدف قرار داده و این مورد کانون روابط مابین این نیروهاست. همچنانکه رهبر آپو، PKK و خلق کرد توطئه‌ی ۱۵ فوریه را بی‌تأثیر ساخته‌اند، از این پس نیز خواهند دانست و خواهند توانست جوابی راسخ و استوار باشند در برابر توطئه‌ها و کسب‌تسهایی از این قبیل.



## بازگشت هیتلر

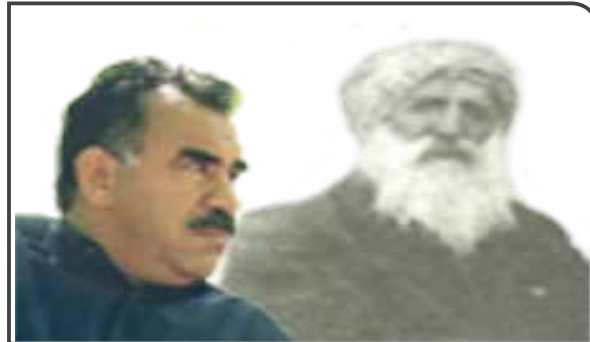
ریوار آبدانان

# توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه، توطئه‌ای بر ضد آزادی خلق کرد

ر. دلیل

آن اعدام شخصیت‌های شهری چون خالد جبرانی و یوسف ضیاء به‌عنوان پیشاهنگان این جنبش از سوی جمهوری تازه تاسیس شده

با خلق کرد مناسبات نزدیکی داشته است. در این مرحله نمی‌توان از نگرشی مبنی بر انکار خلق کرد بحث به‌میان آورد. مصطفی کمال آنتا-سرک در



**تحقق این توطئه در روز ۱۵ فوریه با توجه به پشت پرده‌ی تاریخی این روز مطمئناً نمی‌تواند یک تصادف باشد و قطعاً دارای رابطه‌ای نزدیک با این روز می‌باشد. پنداری تاریخ در این روز بار دیگر تکرار می‌گردد و تغییر ناپذیری تقدیر خلق کرد دوباره بر اذهان حک می‌شود.**

و پس از آن نیز جهت‌دهی جنبش در فصل زمستان از سوی حکومت آنکارا آن را مدبل به جنبشی کرد که زود هنگام به دنیا آمد؛ این اقدام سبب شد که این جنبش به موفقیت دست نیابد و بدون ایجاد هیچ تحولی بی‌تاثیر گردد. این تولد زود هنگام

نیز با فرستادن سربازی از سربیه به روستایی که شیخ سعید در آن اقامت داشت و خواستار تسلیم کردن فردی که از سوی دولت تحت پیگرد قرار داشت آغاز شد؛ چرا که آن فرد را به نیروهای دولتی تحویل ندادند و در نتیجه‌ی روی دادن درگیری چند سرباز کشته می‌شوند. اگرچه پیشاهنگی نمودن شیخ سعید برای این عصیان محل بحث و گمان داشته باشد نیز، اما به‌رحال این نقش را به‌جای آورده، بازداشت شده، دادگاهی گشته و به دار آویخته شده است. شیخ سعید و ۴۷ همراهش نه در دادگاهی عالی بلکه در دادگاه‌های معروف به دادگاه‌های استقلال دادگاهی شده و در ۲۹ ژوئن به دار آویخته شده است. آنکارا به انگلیس و اگذار شده‌است.

سخرانی‌هایی که در تاریخ‌هایی متفاوت ایراد کرده، ضرورت شناخت حقوق خلق کرد را پیش کشیده و این حقوق به‌منزله‌ی خودمدریستی نیز تعریف شده‌اند. ماده‌ی چهاردهم قانون اساسی سال ۱۹۲۱ که از ۲۳ ماده تشکیل می‌شود، مدیریت‌های بومی و خودمدریستی را تعریف کرده‌است. این مواد اساساً نگرش

جمهوری را در مرحله‌ی تاسیس نسبت به خلق

**هدف اساسی این توطئه بی‌تاثیر کردن رهبر آپو، تصفیه‌ی PKK و شکست مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد بود**

کرد را نشان می‌دهند. همین مورد نگرش خلق کرد نسبت به این جمهوری را نیز تشکیل داده است. خلق کرد با اتکالی بر همزیستی، از این جمهوری حمایت به‌عمل آورده است. همزمان با کنفرانس لوزان در تاریخ ۲۴ ژوئیه سال ۱۹۲۳، در جامعه‌ی بین‌المللی جمهوری خود را قبولانیده و از این تاریخ به بعد انکار خلق کرد را مطرح کرده است. قانون اساسی سال ۱۹۲۴ را بر بنیان این انکار پدید آورده و تعاریفی را که قانون اساسی ۱۹۲۱ به‌عمل آورده بود از میان برده است. احساس فریب‌خوردگی در محافل کردی آن زمان و آغاز بحث‌ها بر سر صیانت از موجودیت

خویش در برابر انکار، زمینه را جهت جنب و جوش فراهم نموده است. بازداشت و در پی

می‌توان گفت که توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه در دوازدهمین سالش بی‌تاثیر شده و با شکست مواجه شده است. هنگامی که به اهداف این توطئه توجه می‌کنیم، درک این تحلیل و ارزیابی آسان‌تر خواهد شد. هدف اساسی این توطئه بی‌تاثیر کردن رهبر آپو، تصفیه‌ی PKK و شکست مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد بود. همچنانکه توطئه به هیچ‌کدام از این اهداف خویش دست نیافت، هم نیروهای فرمانده‌های و هم نیروهای موقعیت‌گرای منطقه در شکست و بحرانی ژرف به‌سربرده و قادر به رهایی خویش از این بحران و شکست نمی‌باشند. رهبر آپو با بیان اینکه توطئه در دوازدهمین سالگردش با شکست مواجه شده است و با اشاره به نمونه‌های تاریخی (سرکوب عصیان شیخ سعید و اعدام او) اظهار می‌دارد که این توطئه، توطئه‌ای است علیه تمامی خلق کرد و مضمونش قتل‌عام این خلق است. تحقق این توطئه در روز ۱۵ فوریه با توجه به پشت پرده‌ی تاریخی این روز مطمئناً نمی‌تواند یک تصادف باشد و قطعاً دارای رابطه‌ای نزدیک با این روز می‌باشد. پنداری تاریخ در این روز بار دیگر تکرار می‌گردد و تغییر ناپذیری تقدیر خلق کرد دوباره بر اذهان حک می‌شود؛ با

این توطئه خواسته‌اند تا خلق کرد را از مبارزه منصرف کرده و ذهنیت «قادر نخواهیم گشت» را بر این خلق حاکم سازند. پس می‌توان به‌راحتی بین روز ۱۵ فوریه که رهبر آپو را به اسارت درآورد و زمینه‌ی تاریخی آن رابطه برقرار نمود. ۱۵ فوریه مصادف است با آغاز عصیان

**رهبر آپو را نیز در این روز به‌دور از هرگونه معیار اخلاقی ربوده و در زندان امرالی حبس کرده‌اند و در دادگاه‌های امنیتی دولت که شبیه به دادگاه‌های استقلال می‌باشند ایشان را دادگاهی کرده‌اند؛ هرچند که به ظاهر تصمیمات این دادگاه در یک دادگاه عالی تحت بررسی قرار گرفته باشد نیز، به‌مانند شیخ سعید و همراهانش درست در روز ۲۹ ژوئن ایشان را به اعدام محکوم کرده‌اند. گویی توطئه‌ی ۱۹۲۵ در ۱۹۹۹ به‌روز شده‌است.**

شیخ سعید پیران. جمهوری ترکیه در مرحله‌ی تاسیس بروی خرابه‌های امپراطوری عثمانی،

هیتلر با همه‌ی قساوت‌هایش بار دیگر همچون بلایی آسمانی بر سر زمینیان نازل شده است! منتها این بار در شکل و شمایل متفاوت‌تر. این هیتلر تازه با قیافه‌ی مذهبی، دور جدیدی از وحشیگری خود را این بار نه در آلمان بلکه در ایران آغاز کرده است. قبلاً زیر عنوان نازی همه‌نوع قتل‌عامی را مرتکب می‌گشت؛ اما این بار تحت عنوان اسلام سیاسی اقدام به گردآوردن دستگاه‌های استخباراتی، شبکه‌های پلیسی، تسلیحات مخرب و شکنجه‌گرانی روانی در پیرامون خود کرده است. هدفش سرکوب هر صدایی است که حتی ذره‌ای بوی آزادی‌خواهی بدهد. اسلام سیاسی چیست؟ اگر بخواهیم به‌طور خیلی مختصر آن را تعریف کنیم باید بگوییم: اسلام محمدی یک ارزش فرهنگی-اجتماعی است اما اسلام سیاسی عبارت است از ضدانقلاب علیه اسلام محمدی. اسلام محمدی، دین اخلاق و نیکوکرداری است. اما اسلام سیاسی یعنی ریشه‌کن نمودن معنویت، نابودی اخلاق و لگدمال کردن ایمان راستین. اسلام سیاسی یعنی یک ماشین بزرگ دروغ‌پراکنی، شکنجه، اعدام، تجاوز، عوام‌فریبی، سرکوب، استحاله‌ی فرهنگی، بی‌اخلاقی و فساد. نمونه‌ی آشکار این اسلام سیاسی را می‌توان در ترکیه (با ظاهری اعتدال‌گرایانه و لیبرال) و ایران (با شکلی بنیادگرایانه) مشاهده کرد. اسلام سیاسی تداعی‌گر همان فاشیسم هیتلری، منتها در قالبی مشروعیت‌داده‌شده و دینی است. ناگفته پیداست شمار کشتارهایی که دولت احمدی‌نژاد و نظام ولایت فقیه مرتکب گردیده‌اند، کمتر از اردوگاه‌های مرگی که هیتلر ترتیب داده بود، نیست. در آنجا کشتار جسمی مطرح بود اما در اینجا هم کشتار جسمی و هم کشتار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. آسیب‌هایی که اسلام سیاسی به خلق‌های ایران وارد کرده چنان شدیدند که تنها می‌توان با واژه‌ی جنایت آن را توصیف نمود. به‌عنوان نمونه ممنوعیت آموزش به زبان کردی کشتار و قتل‌عامی فرهنگی است که اثرات آن به مراتب بدتر از کشتار جسمی است. برای نقد پدیده‌ی هراس‌انگیز اسلام سیاسی می‌توان به‌طور خلاصه‌وار چنین گفت:

اسلام سیاسی یعنی منافع پلید یک مشت سیاست‌مدار دولتی؛ یعنی جاه‌طلبی دیکتاتوری که به دروغ خود را به نهضت مهدی موعود متصل می‌کند. یعنی تلاش برای دست‌یابی به بمب اتم ولو به قیمت نابودی جامعه‌ی یک کشور. اسلام سیاسی یعنی زیر خط فقر نگهداشتن جمعیت میلیونی ایران. اسلام سیاسی یعنی احکام ناعادلانیه‌ی اعدامی که به وحشیانه‌ترین شکل اجرا می‌گردند. اسلام سیاسی یعنی قساوت یک مشت جلاّد دولتی که تشنه‌ی خونند و جنون قدرت دارند. اسلام سیاسی یعنی مرگ انسان مؤمن و ظهور نفاق و دروغ در گسترده‌ترین شکل. این نوع اسلام امروزه با تمام درندگی خود در ایران جولان می‌دهد. با جلالی شیعی آن را آراسته و خلق‌های ایران را تحت شدیدترین ستم‌ها قرار داده‌اند. اسلام سیاسی یعنی یزیدی بزرگ‌شده که عبای شریعت بر تنش کرده‌اند تا هر روز جوانان این مرزوبوم را حسین‌وار به دست جوخه‌های اعدام بسپارند. اسلام سیاسی یعنی ممنوع‌بودن آزادی مذهبی. یعنی ممنوعیت آزادی زن. یعنی ممنوعیت به کردی صحبت کردن یک مادر با فرزند خود (آن فرزند می‌تواند جوانی مبارز

و در سُرف اعدام باشد). اسلام سیاسی یعنی همه‌ی زبان‌های غیرفارسی ممنوع؛ یعنی فعالیت سیاست دموکراتیک و مردمی ممنوع؛ یعنی آزادی اندیشه و قلم ممنوع؛ یعنی مخالفت با نظام دیکتاتوری ممنوع؛ یعنی یک نظام مستبد که با باتوم و زندان و چوبه‌ی دار به عمر خود ادامه می‌دهد؛ یعنی دادگاه‌های انگیزاسیون قرون وسطی که با معماری اسلامی زینت داده شده‌اند؛ یعنی حرف حق ممنوع؛ یعنی بحث کردن از حقوق فرهنگی-سیاسی-اقتصادی کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها، مازنی‌ها، گیلک‌ها و عرب‌ها ممنوع؛ اسلام سیاسی یعنی همین وضعیت بحرانی که در آن زندگی را بر کام همگان تلخ کرده‌اند. به‌طوری که نه روزنامه‌نگاران، نه روشنفکران، نه فعالان مدنی و سیاسی، نه زنان، نه جوانان، نه روحانیون راستین، نه بازاریان، نه دانشجویان، نه کارگران و نه حتی کودکان هیچ نوع حقوق و امنیتی ندارند. اسلام سیاسی‌ای که سطله‌ی اهریمنی خود را در ایران برقرار ساخته است، پر از شخصیت‌های پلیدی نظیر عمروعاص و معاویه است. این‌ها دیربوز در شام و حجاز اما امروز در تهران بساط حکمرانی خود را گسترانیده‌اند. بیشتر با قیافه‌ای عربی و امروز با سمیای ایرانی (نظیر اسفندیار رحیم‌مشایی)... دیربوز برای عناد و دشمنی با اهل‌بیت پیامبر و امروز برای دشمنی با هر انسان آزادی‌خواه. دیربوز کربلا عرصه‌ی ناخوش‌اناز اسلامی سیاسی یزید بود و امروز کردستان زیر چکمه‌ی سپاه پاسداران خون‌آلود است. ماهیت اسلام سیاسی همین است که هست. باقی حرف و حدیث‌هایی که رسانه‌های جمهوری اسلامی و نهادهای دولتی تبلیغش را می‌کنند، جملگی فریب‌کاری و دروغ است. می‌خواهند بدین طریق، دستان به خون آغشته‌شان را از دید خلق پنهان کنند. پس بی‌جهت نیست که بگوییم هیتلر با همه‌ی قساوتش بازگشته تا پرونده‌ی جنایاتش را کامل سازد... منتها این بار زیر پرچم اسلام سیاسی و در ایران. حال شما قضاوت کنید آیا این اسلام سیاسی نژادپرست‌خون‌ریز کوچک‌ترین پیوندی با اسلام محمدی دارد؟!



ادامه‌ی کتاب مساله‌ی شخصیت در کردستان  
نویسنده: عبدالله اوچالان  
مترجم: شهید رامان جاوید

همه‌ی افشار جامعه با گذار از ایستایی جامعه‌ی قبلی، به مراحل بحرانی وارد شده که تأثیرات این بحران‌ها بر افشار مورد بحث و جهت‌دهی آنان به تلاش‌ها نیز متفاوت خواهد بود. همه‌ی افراد متعلق به این جامعه به‌نوعی تحت تأثیر مراحل بحرانی قرار گرفته و بر طبق موقعیت‌شان در قبال نیروهای تولید، در جستجوی راه برون‌رفت از بحران با توسل به راهکارهای گوناگون خواهند بود. در این مراحل شخصیت‌ها را می‌توان به سه گروه اساسی تقسیم نمود: اولین تپ شخصیتی که در این مراحل بحرانی در سطحی فردی شکل می‌گیرد، تپ شخصیتی است که متعصبانه به گذشته وابسته بوده و در صدد حفظ آن است. به‌ویژه این تپ وابسته به طبقه‌ی سلطه‌گر نظام بوده و تداوم حیاتش را در ادامه‌ی نظام موجود می‌بیند؛ همچنین این مورد را که دیگر به لحاظ شرایط تاریخی، زمان گذار از نظام موجود و فروپاشی آن فرارسیده، هضم نکرده و در تلاش است به هر طریقی که شده نظام موجود را حفظ کرده و گویا جریان تاریخ را از حرکت بازدارد. آرزومند تداوم روند امور به‌مانند سابق، ادامه‌ی قواعد و ضوابط همچون گذشته و حفظ شکل قبلی زندگی است. اما تحولات اجتماعی به مرحله‌ی رسیده که در جهت عکس آرزوهای وی پیشرفت می‌کند؛ دیگر بحران موجود هیچ امکانی برای تداوم برخی ویژگیهای مشخص و اساسی حیات ساختار قبلی را قائل نیست. زیرا [نظام] گذشته در بسیاری از موارد کمرنگ شده و نه تنها نمی‌تواند خدمتی به پیشرفت کند، حتی قادر به دفاع از وضعیت موجود هم نمی‌باشد. این واقعیت باعث می‌شود که تپ مورد بحث ما تا آخرین حد در وضعیت بدون دفاع قرار گیرد؛ همچنین نشان می‌دهد که تأثیر او در زندگی ناکافی بوده، محدود گشته و [این تأثیر] به تدریج رو به فنا می‌رود. به‌طور کلی این قشر از جامعه در دوره‌هایی که نشانه‌های آغازین بحران در جامعه نمود می‌یابد، به‌شکل وسیعی ظهور می‌کنند. بدیهی است که این نوع از شخصیت، شخصیتی نیست که باز نمود و سمبل پیشرفت‌های اجتماعی باشد. بلکه برعکس، شخصیتی است که با وابسته‌سازی بیش‌ازحد جامعه‌ی قبلی به خویش هرچه بیشتر سعی در محافظه‌کار نمودن این جامعه دارد. چنین تپ‌های شخصیتی جامعه‌ی قبلی را که تدریجاً رو به فرسایش نهاده و در دوره‌ای که بحران عمق یافته و بنابراین زایش جامعه‌ی نوین گریزناپذیر است سعی می‌کنند که در قبال [پیشرفت] تاریخ، نقش شخصیت‌هایی محافظه‌کار و عقب‌مانده را برعهده گیرند. به علت نقشی که این شخصیت‌ها برعهده می‌گیرند، عنوان محافظه‌کار و عقب‌مانده حقیقتاً هم برانزده‌ی آنان است. این نوع شخصیت‌ها که تداوم حیات و موجودیت آنها وابسته به شرایط پوسیده‌ی نظام قبلی است، به اقتضای موقعیت‌شان دشمن هر کس و هر چیزی هستند که در راستای خدمت به پیشرفت و تحولات می‌باشند. به همین دلیل در مقابل همه‌ی افراد، نهادها و اندیشه‌هایی که به [ظهور جامعه‌ی] نوین خدمت می‌کنند، مبارزهای بی‌امان را به‌راه می‌اندازند. این نوع شخصیت‌ها زمانیکه پایه‌های نظام قبلی که بدان وابسته می‌باشند رو به فروپاشی می‌رود و پا در هوا می‌مانند، چنان حالت متجاوزانه‌ای به خود می‌گیرند و از اینکه جنگ را به سطح توحش برسازند هیچ ابایی ندارند. شخصیت انقلابی و ملیتان که نماد [جامعه‌ی] نوین بوده ناگزیر است در حین فروپاشی جامعه‌ی کهن و ایجاد جامعه‌ی نوین، مبارزه‌ای بی‌وقفه در برابر این شخصیت محافظه‌کار پیشبرد داده و در این راه مصمم و استوار باشد. شخصیت انقلابی تنها [در این صورت] قادر خواهد بود جامعه‌ی نوین را بر روی خرابه‌های شخصیت مورد بحث بیافریند.



# توطئه‌ی ۱۵ فوریه

## گسترده‌ترین توطئه‌ای

### که تاریخ بشریت به خود دیده است

ر. مزدک

اگرچه خلق کرد در طول تاریخ با توطئه‌های بسیاری مواجه بوده است اما گستردگی توطئه‌ی ۱۵ فوریه و مشارکت بیشتر دولتها در آن ما را به بازنگری دوباره و چندباره‌ی این توطئه و طرح این پرسش که چرا چنین توطئه‌ای علیه رهبر آ‌پو و جنبش آزادی‌خواهی

**گسترده‌ی توطئه‌ی ۱۵ فوریه و مشارکت بیشتر دولتها در آن ما را به بازنگری دوباره و چندباره‌ی این توطئه و طرح این پرسش که چرا چنین توطئه‌ای علیه رهبر آ‌پو و جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد انجام گرفته است وامی دارد.**

خلق کرد انجام گرفته است وامی دارد. در واقع این پرسش را می‌توان اینگونه نیز مطرح نمود که رهبر آ‌پو بر روی چه مسائلی انگشت نهاد و یا اینکه پرده از چه مسائلی برداشت که مورد غضب صاحبان قدرت قرار گرفت. بخشی از پاسخ این پرسش و پرسش‌هایی از قبیل آن را می‌توان در نگرش به مساله و پدیده‌ی خلق یافت. اگرچه سیاست انکار و نابودسازی خلق کرد بخش اصلی سیاست‌های دولت‌مملکت‌های مدرن را تشکیل می‌دهد اما محدود نمودن مساله‌ی کرد به قرن بیستم در تبیین و توضیح کامل این پدیده ناکافی است؛ چراکه این سیاست‌ها ادامه‌ی سنت دولت‌های مقتدر شرقی می‌باشد. مردم کردستان در واقع همیشه با پدیده‌ی قدرت و دولت در تقابل بوده و به نوعی قربانی آن بوده‌اند. با قبول این واقعیت که کهن‌ترین جوامع طبیعی و فرهنگی آنها برخاسته از این سرزمین‌اند و با مدنظر قرار دادن

سده‌ی اخیر تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی مساله‌ی کرد را صرفاً ناشی از برخورد منافع سیاسی، نحوه‌ی سیاست‌پردازی و یا پیوند دولت‌های ضد کرد با یکدیگر دانسته‌اند. سیاستمداران کرد هرگز به این نکته واقف نبودند که نحوه‌ی سیاست‌پردازی و تعریف

دولت‌های حاکم بر کردستان از مفاهیمی چون منافع و امنیت ملی، نه ناشی از موقعیت‌های سیاسی گذرا بلکه برخاسته از پدیده‌ی دولت و فلسفه‌ی وجودی آن است. اگر پدیده‌ی دولت - ملت را به‌منزله‌ی تمرکز یافته‌ترین و

درهم‌تنیده‌ترین ساختارهای قدرت و دولت تعریف نماییم افزایش شدت حملات دولتی به جامعه و فرهنگ مردم کردستان تا سطح انکار و قتل‌عام در عملکرد دولت - ملت‌های قرن بیستم قابل توضیح خواهد بود. اینکه ساختار دولت - ملت ساختاری جهانی می‌باشد فراتر بودن مساله‌ی کرد از گستره‌ی دولت‌های منطقه‌ای و چارچوب مساله‌ی درون‌سی یک دولت مشخص را نشان می‌دهد. بر این مبنا شناختی تاریخی و جامعه‌شناسانه از مساله‌ی کرد و تبیین حقیقت این پدیده جهت وصول به راهکارهای

**مردم کردستان در واقع همیشه با پدیده‌ی قدرت و دولت در تقابل بوده و به نوعی قربانی آن بوده‌اند. با قبول این واقعیت که کهن‌ترین جوامع طبیعی و فرهنگی آنها برخاسته از این سرزمین‌اند و با مدنظر قرار دادن تلاش دولتها از همان بدو پیدایش جهت فکری و فرهنگی + خشونت + نیرنگ، می‌توان دلیل وسعت اعمال خشونت و تلاش قدرت‌ها جهت از میان بردن و به فراموشی سپاردن فرهنگ، اخلاق و سنتهای جوامع کردستان پی برد**

چاره‌یابی این مساله مفید واقع خواهد گشت. رهبر آ‌پو بنیان‌گذار این دیدگاه نوین می‌باشد. دستیابی به چنین اندیشه‌ی نتیجه‌ی مبارزاتی بی‌امان می‌باشد که در هر لحظه‌ی زندگی رهبر آ‌پو ادامه داشته و در نتیجه‌ی درگیر بودن شخص ایشان در تضاد میان واقعیت موجود جامعه‌ی کرد با ارزشهای عمیق تاریخی و

تلاش دولتها از همان بدو پیدایش جهت به بردگی کشاندن انسانها از طریق راهکارهای توأم با هژمونی فکری و فرهنگی + خشونت + نیرنگ، می‌توان دلیل وسعت اعمال خشونت و تلاش قدرت‌ها جهت از میان بردن و به فراموشی سپاردن فرهنگ، اخلاق و سنتهای جوامع کردستان پی برد. جنبش‌های کردی در

اجتماعی آن است. واقعیت دردناک جامعه‌ی کرد حاصل تأثیرات ویرانگر استعمار مستمر خلق کرد از جانب دولتها و اقتدارگرایان می‌باشد؛ هر گام این استعمار عمیق محصول تلاش نهادهای قدرت و دولت در پیاده‌سازی موثرترین شیوه‌های به بردگی کشاندن انسانها است. شیوه‌هایی که در ازهم‌پاشیدن و به نابودی کشاندن شخصیت انسان و جامعه هر یک بیانگر توطئه و نیرنگی می‌باشد. آنچه که قدرت‌ها سعی در پیاده‌نمودنش در میان خلق کرد داشتند رژیم فکری و نحوه‌ی زندگی کاملاً مغایر با ارزشهای حقیقی و فرهنگی این خلق و ایجاد تحریفات همه‌جانبه در شخصیت، فرهنگ و روان جامعه و انسان کرد می‌باشد. در واقع جامعه و فرد کرد با یک نظام ضداجتماعی، ضدانسانی و حقیقت‌ستیز دست‌به‌گریبان است. اما راه مبارزه با چنین نظامی چیست؟ این پرسشی است که رهبر آ‌پو تمامی سالهای مبارزاتش را در پی یافتن جواب آن بوده است. رهبر آ‌پو از طرفی در هر گام مبارزه تفاوت واقعیت جامعه با مفاهیم تعاریفی که مدعیان نگرش‌های علمی نسبت به آن داشته‌اند حس نموده و از طرفی دیگر ناکارآمدی و حتی مهلک بودن راهکارهای ارائه‌شده جهت حل مساله را مشاهده می‌کرد. اگرچه پارادایم مدرنیستی جایگیری در نهاد قدرت و اقتدار را تنها راه راهی ستم‌زدگان می‌نمایاند، اما درک رهبر آ‌پو از انسان، جامعه و نیروی آن مانع از آن می‌شود که او در مسیر پارادایم مدرنیستی قرار بگیرد. اگرچه ابتدا شعارها در چارچوب ادبیات معمول رئال سوسیالیستی عصر خود بود اما تعریف رهبر آ‌پو از مساله‌ی مبارزه به‌منزله‌ی مساله‌ی

شخصیت انسان مبارز و برگزاری دوره‌های متعدد آموزش کادر و ارائه‌ی تحلیلات نوین از فرد و جامعه‌ی کرد و همچنین رویکردهای غیرجزم‌گرایانه‌ی رهبر آ‌پو با ارزشها و سنت‌ها و باورداشت‌های اجتماعی جامعه‌ی کردستان حاکی از چالش آشکار رهبر آ‌پو با راهکارها و نگرش‌های به‌ظاهر علمی مدرنیستی بوده است.



آرام آریو

# دولت - ملت، حمله‌ای علیه ارزشهای جامعه

این از خودیگانگی یکی از اهداف اساسی صاحبان قدرت بوده و آنها را هر چه بیشتر به اهدافشان نزدیک می‌کند. چنین شخصیت‌هایی با گسست از تمامی واقعیات اجتماعیشان دچار حالتی می‌گردند که علی‌رغم دیدن خیانت‌ها و حملاتی که بر ضدشان انجام می‌گیرد از توان ایستادگی، مقاومت و جوابگویی بدان‌ها بی‌بهره می‌مانند. حقیقتاً آنچه که به فرد اراده، ایمان، نیروی مقاومت و مبارزه می‌دهد یکی گشتن با خلقتش و یکپارچگی با واقعیات جامعه‌اش می‌باشد. واقعیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خلق کرد همگی تحت شدیدترین حملات قرار دارند اما مواضع لازمه در برابر آن اتخاذ نمی‌گردد. شخصیت سلطه‌پذیر از خود و از جامعه‌ی خویش بیگانه گشته به مانند ناظری خارجی و یا بی‌طرف به رخدادها نگرسته، تنها احساس ناراحتی و افسردگی آن هم گذرا به وی دست می‌دهد. موجودیت خلق و جامعه‌اش با خطر نابودی و قتل‌عام فرهنگی و سیاسی مواجه است اما وی کمترین عکس‌العملی را از خویش به نمایش نمی‌گذارد. چنین واقعیتی بیانگر مرگست ذهنیتی که جامعه را در کام خویش گرفته و امکان هیچ‌گونه اندیشه و عملی نسبت به صیانت از خویش را باقی نگذاشته است. جامعه و انسانی که در مسلخ تمدن دولتی به مرگ ذهنیتی محکوم

**دور ساختن فرد از واقعیات اجتماعی خلقتش و بی‌هویت‌سازی موردی دیگر است که دولتها سعی در عملی‌کردن آن دارند. فرد بدور از واقعیات اجتماعیش نه تنها نسبت به حملاتی که جامعه‌اش را با تهدید مواجه می‌سازد دارای حساسیتی نمی‌باشد بلکه با چشم بستن بر این واقعیات، مسیر جداگانه‌ای انتخاب می‌کند که سنجیتی با واقعیتهای اجتماعی ندارد.**

گردیده‌اند در وضعیتی قرار گرفته‌اند که هیچ‌گونه احساس مسئولیتی نسبت به پیرامون خویش برخوردار نمی‌باشد. غوطه‌ور شدن در فلسفه‌ی فردگرایانه و زندگی شخصی به مانند ویروسی به جان جامعه و تک‌تک انسان‌ها افتاده و سبب شده‌است که فرد احساس مسئولیتی در قبال حملات و توطئه‌هایی که علیه جامعه‌اش صورت می‌گیرند نداشته باشد. از اینروست که ارزشهای خلق و دستاوردهای مبارزه و مقاومت را بی‌ارزش شمرده، اقدام در راستای صیانت از آنان را نیز بی‌حاصل می‌پندارد. بی‌باور نمودن خلق‌ها و جامعه از جمله سیاست‌هایی است که دولت آن را اساس قرار می‌دهد. این اقدام زمانی انجام می‌گیرد که تمامی انقلاب‌ها و جنبش‌ها با تکیه بر نیروهای اجتماعی و از جانب خلق‌ها حاصل شده‌باشند. تاریخ بیانگر این است که آنانی که همیشه مبارزه و انقلاب نموده نیروهای اجتماعی بوده و جبهه‌ی مخالف را نیز همیشه دولت‌ها تشکیل داده‌اند. تمامی ترس و خوف دولت‌ها از سر به قیام واداشتن خلق‌ها بوده که در صورت عملی‌شدن آن نیز هیچ راهی جز متحول شدن یا سرنگونی آنها وجود نخواهد داشت.

نگرش‌هایی جامعه را از جوهره و جان‌مایه‌ی خویش دور ساخته‌اند. اگرچه هر یک از نیروهای اجتماعی تحت تاثیر این مفاهیم خود را مخالف سرسخت دولت عنوان کنند، اما به دلیل اساس قراردادن ذهنیت و طرز فکر دولت‌گرا توانسته‌اند از ضمیمه‌شدن به دولت رهایی یابند. این نوع از ذهنیت‌ها جدای از اینکه به‌دور از اجتماعی‌بودن می‌باشند با وابسته‌ساختن اقبال زیادی از جامعه به خویش مانع از ایجاد وحدت و یکپارچگی در آن می‌گردند. سست گردانیدن و از هم پاشاندن مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی از جمله سیاست‌های صاحبان قدرت و دولت‌ها بوده تا بدین وسیله هم‌صدایی و نیرویی را که ریشه در بطن و متن جامعه دارد از بین ببرند. اهداف اساسی این حملات این است که بعد اخلاقی و سیاسی جامعه را که بنیان پویایی آن است از هم بگسلانند؛ نتیجه‌ی چنین امری مطرح‌شدن نظامی نوین از مناسبات است که از محوریت جامعه به‌دور بوده و مرکزیت را به دولت و نهادهای آن واگذار می‌کند و همین امر وابسته‌سازی هر چه بیشتر جامعه به دولت را با خود به‌میان می‌آورد. فرد و جامعه وابسته به دولت کمترین پتانسیل و توانایی جهت ابراز مخالفت

و یا اعتراض نسبت به دولت را دارند. اگرچه خاصیت و بعد اخلاقی و سیاسی جامعه است که پویایی آن جامعه را به همراه می‌آورد اما علی‌رغم هدف قرار دادن چنین بعدی از سوی دولت‌ها، جنبش‌ها و احزاب کردی به این مورد دقت چندانی ننموده‌اند. دور ساختن فرد از واقعیات خلقتش و بی‌هویت‌سازی موردی دیگر است که سنجیتی با واقعیتهای اجتماعی ندارد.

عملی‌کردن آن دارند. فرد بدور از واقعیات اجتماعیش نه تنها نسبت به حملاتی که جامعه‌اش را با تهدید مواجه می‌سازد دارای حساسیتی نمی‌باشد بلکه با چشم بستن بر این واقعیات، مسیر جداگانه‌ای انتخاب می‌کند که سنجیتی با واقعیتهای اجتماعی ندارد.

دولت و صاحبان قدرت در جنگ علیه جامعه تمامی توان خویش را به‌کار می‌گیرند تا در ضعیف‌سازی جامعه و بی‌اراده‌کردن آن موفق گردند. اگرچه در این جنگ راهکارهای خشونت‌آمیز و استفاده از زور و سرکوب جایگاهی همیشگی داشته است، اما جنگ ویژه‌ای که اذهان و به‌تعبیری تمامی جامعه را هدف قرار می‌دهد در سیاست دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ تاثیرات آن به‌مراتب بیشتر از راه‌کارهای خشونت‌عریان بوده و در جهت‌دهی جامعه همسوی با منافع اقتدار موثر واقع گشته‌است. دولت که خصلتی استثمارگر و جنگ‌طلبانه دارد به

**عدم توانمندی جامعه در مساله‌ی دفاع از خویش و یا حتی تصور چنین حالتی به‌معنای در خطر امحا قرار داشتن موجودیت آن جامعه خواهد بود. به همین دلیل دولت‌ها همیشه پیش از هر چیزی سعی در نابودی اراده‌ی ذاتی جامعه دارند تا جامعه را از مکانیزم دفاع ذاتی و مشروع آن محروم کنند.**

اقتضای همین خصلتش جامعه را مورد تجاوز قرار می‌دهد و جامعه نیز در راستای صیانت از موجودیت خویش، ناگزیر و محکوم به دفاع از خویش است. عدم توانمندی جامعه در مساله‌ی دفاع از خویش و یا حتی تصور چنین حالتی به‌معنای در خطر امحا قرار داشتن موجودیت آن جامعه خواهد بود. به همین دلیل دولت‌ها همیشه پیش از هر چیزی سعی در نابودی اراده‌ی ذاتی جامعه دارند تا جامعه را از مکانیزم دفاع ذاتی و مشروع آن محروم کنند. عرصه‌ی اندیشه و آموزش جزو اولین عرصه‌هایی است که دولت‌ها تحت حاکمیت خویش درآورده‌اند تا با نفوذ در اذهان انسان‌ها بتوانند تمامی نیروهای جامعه را تحت کنترل درآورده و هم‌سویی خویش را در جامعه برقرار سازند. به‌همین سبب ذهنیت‌ها را در انحصار خویش قرار داده و افکار و اذهان را دلخواهانه و مطابق میل خویش شکل می‌دهند. در نتیجه آنانی که آموزش‌های دولتی را می‌گذرانند خود تبدیل به بخشی از ستون فقرات دولت شده و بدین ترتیب نخستین پروژوی فرمایشی

**آنانی که آموزش‌های دولتی را می‌گذرانند خود تبدیل به بخشی از ستون فقرات دولت شده و بدین ترتیب نخستین پروژوی فروپاشی جامعه را رقم زده می‌شود؛ چرا که با وابسته‌سازی فکری، قشری از جامعه را علیه خود جامعه بکار می‌گیرد.**

جامعه رقم زده می‌شود؛ چرا که با وابسته‌سازی فکری، قشری از جامعه را علیه خود جامعه بکار می‌گیرد. از دیگر راهکارهای دولت جهت تحت کنترل قرار گرفتن جامعه، بنیان‌نهادهای ذهنیت جنسیت‌گرای، ملیت‌گرای، دین‌گرایی و علم‌گرایی بوده که چنین

میلیارده‌کردن از گسترده‌ترین و بزرگترین انحصارات است. برخلاف آنچه دم از آن می‌زنند نهادهای نظامی نه برای دفاع از سرزمین و جلوگیری از هجوم‌های خارجی و یا حفظ شرف و ناموس خلق، بلکه برای قبضه نمودن قدرت و تسلط بر تمامی ارگان‌های جامعه تشکیل شده‌اند. علاوه بر آن این نهادها برای تقویت خود و مبدل‌شدن به نیرویی غیرقابل شکست سعی دارند اقتصاد را نیز تحت انحصار و کنترل خویش درآورند. با کسب چنین قدرتی و تمرکز آن در یک جا کلیه‌ی نهادهای دیگر را مجبور به کنارآمدن و سازش با خود می‌کنند و به حکمفرمای بی‌چون‌وچرای جامعه مبدل می‌گردند. میلیاریسم در تاریخ معاصر ایران یکی از متدهای اساسی سرکوب جامعه بوده و بعد از انقلاب سال ۵۷ و به‌خصوص پس از روی‌کارآمدن دولت احمدی‌نژاد روندش شدت و حدت بیشتری به خود گرفته‌است. نظامیان فشر انحصارگری هستند که خود را مجهز به تسلیحات نظامی نموده و با غضب دستاوردهای جامعه و منابع اقتصادی آن خویش را نیرومندتر می‌سازند. میلیاریسم بازنه‌ترین شکل هم‌سویی دولت - ملت بوده که خواهان از بین‌بردن موجودیت و هویت جامعه و به‌اسنادی درآوردنش می‌باشد. همچنین دین (اسلام سیاسی) را به خدمت منافع دولتی درآورده‌اند و با ساختار ولایت‌فقیه از طریق نهادهای اطلاع‌رسانی (که آن را نیز به انحصار خود درآورده‌اند)، سعی بر مشروعیت‌بخشی به اعمال غیرمدموکراتیک و خلق‌سینز نهادهای نظامی، اقتصادی و آموزشی خود دارند. همه‌چیز در انحصار دولت و سپاه قرار گرفته‌است. می‌خواهند جامعه را فاقد مکانیزم دفاعی نمایند و آن را خلع سلاح کنند. چنین رویکردی البته که جهت تشدید استثمار جامعه و عدم امکان بروز مقاومت مردمی صورت می‌گیرد؛ برای اداره نمودن جامعه و تسلط بر تمامی نهادهای آن دست به چنین اقداماتی می‌زنند. با اصطلاحاتی از قبیل صلح، حفظ امنیت ملی و پاسداری از اتحاد و یکپارچگی کشور سعی بر از بین‌بردن نیروی دفاع ذاتی خلق و به‌زبان درآوردن جامعه دارند. تحت لوای چنین اصطلاحاتی به جنگ علیه جامعه می‌پردازند. جوامع کمونال و دموکراتیک در طول تاریخ همواره در برابر هم‌سویی تمدن‌های مرکزی، از خود مقاومت نشان داده‌اند. با استفاده از نیروهای دفاع ذاتی در طول هزاران سال و با انجام قیام‌ها، سیخ نمودن اقبال ستم‌دیده و تشکیل ارتش‌های خلق، جامعه را سازماندهی نموده‌اند. آنان با تدارک جنگ‌های تدافعی که خاصیتی اجتماعی دارند، در برابر جنگ‌های انحصارگرانه و هجومی از سوی قدرت مرکزی که جامعه‌سینز بوده، به مقاومت گسترده در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی، دست‌زده‌اند. جامعه با به‌کارگیری این حق مسلم، از ارزش‌های اخلاقی و سیاسی خویش صیانت به‌عمل آورده و آنها را پیش‌تر داده‌است. اگر جامعه‌ای حق دفاع ذاتی خویش را به‌کار نگیرد، دچار از خودیگانگی شده، طبیعت اجتماعیش را فراموش کرده و این نیز کام برداشتن در مسیر تباهی خویش خواهد بود. قدرت‌های مرکزی جهت استیلا بر جامعه، همیشه سازوکار دفاع ذاتی آن را هدف قرار داده‌اند و با غضب ارزش‌های جامعه، نیروهای اجتماعی را در خدمت منافع خود قرار می‌دهند. زمانی که اخلاق و سیاست به‌عزت سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی دولت کم‌رنگ شوند و از تاثیرشان کاسته گردد، دفاع ذاتی ضرورت می‌یابد و یگانه راه گزین جامعه غافل شد؛ چرا که دولت - ملت به هیچ قدرتی در جنگی مستمر علیه جامعه‌ی بی‌مردی در صورت عدم برخورداری جامعه از دفاع ذاتی، مجبور می‌شود به خواست‌های دولت که همانا اطاعت بی‌چون و چر از دولت می‌باشد، تن در دهد. صلح نیروهای دولت - ملت با نیروهای دفاع ذاتی جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی تنها در صورت احترام متقابل و سازش اصولی میسر خواهد شد. دفاع ذاتی جامعه امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. البته حتی اگر توافقی هم صورت گیرد و صلحی برقرار شود، نباید از دفاع ذاتی جامعه غافل شد؛ چرا که دولت - ملت به هیچ معیاری پایبند نخواهد ماند. خلق‌های ایران همیشه برای حفظ موجودیت خویش به مقاومت‌های بی‌همتایی دست زده‌اند و از ارزش‌هایشان، صیانت به‌عمل آورده و تبدیل به جامعه‌ای دولتی نشده‌اند. آنان هرگز به خدمت دولت و جامعه‌ی فرادست در نیامده‌اند و با به‌کارگیری مکانیزم دفاع ذاتی، هجوم دولت - ملت‌ها جهت نابودی جامعه را یا شکست مواجه ساخته‌اند. خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق کرد باید در مقابله با دولتی که خود را اسلامی نامد و با استفاده از ابزار از دین، به اقدامات غیرائسانی خود از قبیل قتل‌عام، شکنجه، اعدام، سرکوب ناراضیان، ایجاد فشار و خفقان سیاسی و ... مشروعیت می‌بخشد، ایستادگی نمایند. بایستی در نظر به حقوق حقه‌شان، با تکیه بر ارزش‌های کمونال - اجتماعی خود دست به مبارزه‌ای همه‌جانبه و گسترده‌بزنند که تمامی اقشار جامعه را دربرگیرد.



برفین نورحق

## حقیقت در کردستان؛ آزادی و مقاومت است نه توطئه و اعدام



درک ماهیت توطئه ۱۵ فوریه برای خلق کرد که با تاریخی مملو از توطئه و خیانت مواجه بوده، امریست ضروری. هدف توطئه مذکور نه تنها یک شخص، بلکه امحای خلق کرد بود. در ماهیت این توطئه، عدم تحمل وجود شخصیت‌های آزادی‌خواه از سوی مدنیته‌ی سرمایه‌داری آشکارا دیده می‌شود. بسیاری از دول غربی و مزدوران منطقه، نقشه‌ی بودن رهبر آپو که سرنوشت خلق کرد به وی وابسته است را طرح‌ریزی نمودند و با چشم‌پوشی از خصومت دیرینه میان خویش، در زمینه‌ی استخباراتی دست به همکاری زدند و این توطئه را در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ اجرا نمودند. آنان به خیال واهی خود می‌پنداشتند، می‌توانند بدین گونه خلق کرد را در راستای خدمت به منافع دولتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خویش به کار گیرند. اما ایستار رهبر آپو، جنبش و خلق کرد، توطئه را با شکست مواجه نمود. زیرا آپوئیسم پیوندی عمیق با خلق و زندگی‌شان برقرار نموده است؛ به گونه‌ای که برای محکوم‌نمودن توطئه صدها انسان جسم خویش را به آتش کشیدند.

آپوئیسم با ایجاد انقلاب ذهنیتی در میان خلق‌ها، جامعه‌ی وابسته به دولت را مبدل به جامعه‌ی پویا و آزاد نمود. همین پویایی و آزادی‌خواهی بود که به مقابله با توطئه ۱۵ فریاد. خلق‌مان در شرق کردستان پایه‌ی پای دیگر بخش‌های میهن، غربی اعتراض‌آمیز خویش را علیه عاملان توطئه و جهت آزادی رهبر آپو سردادند و در این راه شهدای فراوانی تقدیم نمودند. صیانت همه‌جانبه از شهدای قیام سوم اسفند سال ۱۹۹۹ و ابراز انزجار از عاملان آن (علی‌رغم فشار، سرکوب و رفتارهای ددمنشانه‌ی دولت مستبد ایران)، دال بر صحت این قضیه و یکی شدن خلق‌مان در شرق کردستان با رهبر آپو و جنبش می‌باشد.

خلق‌مان در شرق کردستان از ۷ ساله گرفته تا هفتاد ساله، توطئه‌ی مذکور را برخلاف انتظار توطئه‌گران مبدل به اتحاد، یکپارچگی، سازماندهی، تلاش، مقاومت، میهن‌دوستی و در یک کلام «آزاد زیستن» نمود. هر چند ابعاد توطئه روزبه‌روز وسیع‌تر می‌شود، اما میل جوانان به پیشاهنگی در امر مقاومت و مبارزه نه تنها تأثیرات آن را خنثی، بلکه باژگون نموده است. جوانان با پیوستن به صفوف گریلا، مقاومت در زندان و سازماندهی خود در عرصه‌ی دفاع ذاتی جامعه، با قبول مسئولیت در قبال خلق و جامعه‌شان، نقش خویش را به خوبی ایفا نموده‌اند. سازماندهی و جهت‌دهی به نیروی موجود در میدان مبارزه‌ی جنبش آپوئیستی در شرق کردستان برعهده‌ی جوانان می‌باشد و تنها در صورت پیشاهنگی جوانان، می‌توان نوید پیروزی و آزادی را به جامعه داد. وظیفه‌ی جوانان، اقدام به آموزش خویش بر اساس فلسفه‌ی رهبر آپو و ایجاد سازماندهی جهت به‌وجود آوردن جامعه‌ی ارادهمند و آزادی است.

ما جوانان شرق کردستان در سالروز توطئه‌ی ۱۵ فوریه، برای گرامیداشت شهدای سوم اسفند، صیانت از میراث ملی-مبارزاتی مان و تلاش جهت متحقق‌ساختن آرمان‌های خلق کرد، با صلابتی همچون کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی کردستان و با برداشتن گام‌های راسخ، جهت ایفای نقش انقلابی‌مان ادای سوگند نموده و پایبندی‌مان را به رهبر آپو اعلان می‌داریم.

در آستانه‌ی دوازدهمین سالگرد توطئه‌ی بین‌المللی ۱۵ فوریه قرار داریم. واقعیت این توطئه عبارت از نسل‌کشی‌ای است که بر خلق کرد و به‌ویژه زنان کرد تحمیل شده‌است. با این توطئه درصدد برآمده‌اند تا جستجوی خلق و زنان کرد را در راستای نیل به حیاتی آزاد سرکوب کنند. هدف از این توطئه نسل‌کشی و اعدام بوده است؛ اما در برابر آن رشادت و خطمشی حیات آزاد شهدایی چون زیلان، روزبین، عاکف، فرهاد، شیرین، فرزاد، عکید، حسین و بسیاری از ملیتان‌های دیگر، در کردستان حقیقتی راستین به‌نام آزادی و مقاومت را به‌وجود آورده و می‌توان گفت براین اساس به توطئه و نیروهای توطئه‌گر جوابی دندان‌شکن داده‌شده‌است. از همان ابتدا که مبارزه در راه آزادی آغاز شد همواره رهبر آپو، جنبش آزادی‌خواهی



و خلق کردستان آماج حملات دشمنان قرار گرفته‌اند. به موازات تعالی و پیشرفت مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد به رهبری رهبر آپو توطئه و ضد انقلاب نیز همیشه خود را تحمیل کرده‌است. حقیقت توطئه با اعمال سیاست‌هایی

که از ۹ اکتبر شروع و به ۱۵ فوریه ختم می‌شوند به ژرف‌ترین و تاریک‌ترین مرحله رسیده‌است. هدف از این توطئه حمله به ارزش‌هایی است که در نتیجه‌ی مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق کرد در کردستان آفریده شده‌اند. با این توطئه می‌خواستند خلق‌ها را بر ضد یکدیگر تحریک کنند. درصدد بودند تا خلق کرد را در برابر دیگر خلق‌هایی که در خاورمیانه زندگی می‌کنند همچون خلقی مهاجم نشان دهند. هدف این بود که در خاورمیانه زندگی را در وضعیتی وخیم‌تر قرار دهند و واقعیت جنگ را به شکلی از زندگی مبدل کنند. هدف هرچه ژرف‌تر کردن نسل‌کشی‌های فیزیکی بود. رهبر آپو اهداف نیروهای توطئه‌گر را به‌شکلی اسنادانه و از هر نظر پیش‌بینی نمود و به‌صورتی بی‌وقفه مبارزه‌اش را برضد این نیروها توسعه داده است. رهبر آپو در راستای اینکه جوابی باشد به این توطئه با این اظهار که «آنچه را که قادر به انجام آنم این است که تا آخرین نفسم از آزادی خویش صیانت به عمل آورده و با آفریدن قطره‌های معنا با احترامی بزرگ به زندگی ادامه خواهم داد» جهت نجات واقعیت زندگی که در خاورمیانه هدف توطئه‌گران از بین بردن آن بود، مسولیت خویش را به‌جای آورده است. با مطرح نمودن استراتژی مبارزه برای دموکراسی و صلحی عزتمند و سرلوحه قرار

دادن برابری و وحدت خلق‌ها جوابی است راسخ از سوی رهبر آپو به این توطئه. چرا که نیروهای توطئه‌گر انتظارشان از رهبری، خلق و جنبش آزادی‌خواهی به‌راه انداختن جنگی خانمان‌سوز بود که نتایجش وحشت، قتل‌عام و نسل‌کشی می‌بود. هدف از توطئه ۱۵ فوریه تحریف حقیقت حیات آزاد زندگی زنان کرد و خلقی بود که تنها حقیقتش آزادی و مبارزه در راه آن و نمایش ایستاری به‌جا در برابر بی‌عدالتی‌ها بود. رهبر آپو در راستای ارتقای مبارزه‌ی صلح و دموکراسی با

تلاش و کوششی سترگ حملات آزادی‌بخش را تعمق بخشیده و نیروهای توطئه‌گر را بی‌تأثیر نموده است. در برابر این اقدامات رهبر آپو، سرمایه‌ی جهانی نیز با استراتژی توطئه به‌صورتی بی‌وقفه به تجدید ساختار خویش پرداخته و اقداماتش را تداوم بخشیده‌است. توطئه همچنان ادامه دارد. هدف نیروهای توطئه‌گر این است که با لاینحل باقی گذاشتن مسأله‌ی کرد، در راستای همین استراتژی این مسأله را هرچه بیشتر پیچیده ساخته، در گستره‌ی زمان رها کرده و در نهایت جنبش آزادی‌خواهی را با تصفیه مواجه‌سازند. سرمایه‌ی جهانی و نیروهای توطئه‌گری که با آن در ارتباط می‌باشند، هدفشان این است که نه صرفاً با توسل به نسل‌کشی فیزیکی بلکه با کاربست نسل‌کشی‌های فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی این خلق را از بین ببرند. در جواب به این اقدامات رهبر آپو در مقابل سیاست‌های

این سیاست - پاک‌سازی - نسل‌کشی - اعدام در سال ۲۰۱۰ استراتژی مبارزه در مرحله‌ی چهارم را شروع نمود. رهنمود و تعریف این مرحله را می‌توان در یک جمله بر زبان آورد: «صیانت از موجودیت و تأمین آزادی خویش». رهبر آپو در برابر سیاست‌های همه‌جانبه‌ی نسل‌کشی و امحای که نیروهای توطئه‌گر به‌صورتی فشرده سعی در برنامه‌ریزی و اجرای آن دارند، ضرورت دفاع از موجودیت خلق کرد و تأمین آزادی این خلق را برزبان می‌آورد. چرا که امروز در جای‌جای کردستان با روش‌های نظامی و جنگ قتل، از طریق اعدام، امحای از طریق فرهنگ استعمارگران، انحطاط از طریق اقتصاد گرسنه نگاه‌داشتن و از راه بیکاری واقعیت نسل‌کشی در حال اجرا می‌باشد. واقعیت همه‌جانبه‌ی نسل‌کشی در مرحله‌ی جدید توطئه‌گری از سوی نیروهای سرمایه‌ی جهانی، استراتژی این نیروها در قبال خلق کرد می‌باشد. نسل‌کشی بیش از هر کس



در جامعه متوجه زنان می‌باشد. امروز در هر نقطه‌ای از کردستان مواردی چون تجاوز به زنان کرد، فحشا، مزدورسازی، جنایت‌های فاعل مجهول، بازداشت‌ها هر روز که می‌گذرد در حال افزایش می‌باشد. به‌علاوه مورد دیگری را که می‌توان بدان اشاره داشت افزایش صدور حکم اعدام و اجرای آن در شرق کردستان برای زنانی است که مقاومت می‌نمایند؛ در جنوب غرب کردستان نیز شاهدیم که با روش‌هایی غیر انسانی (به فلک بستن) زنان را تحت شکنجه قرار می‌دهند؛ البته که افزایش چنین

اقداماتی در این مرحله نمی‌تواند تصادفی باشد. تمامی این حملات در راستای استراتژی توطئه - که بار دیگر به تجدید ساختار خود می‌پردازد و از یک مرکز هدایت می‌گردد و با هدف نسل‌کشی است. این سیاست‌ها به منظور امحای و سرکوب ارزش‌هایی که مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی زنان حول محور ایدئولوژی رهایی زنان پدید آورده، یعنی شخصیت زن آزاد، نگرشی که وی از زندگی دارد و ارزش‌هایی که پیرامون آن به‌میان آورده‌اند، به اجرا گذاشته می‌شوند. در این معنا و مفهوم توطئه‌ی بین‌المللی توطئه‌ای است که جستجو برای نیل به حیاتی آزاد و زنان مبارز و آزاده‌ی کرد را هدف قرار داده است. در آستانه‌ی دوازدهمین سالگرد این توطئه و در راستای هرچه بیشتر توانمندسازی معرفت مبارزاتی‌مان جهت مقابله با نیروهای توطئه‌گر بایستی بار دیگر این واقعیت تاریخی را مورد بازنگری قرار داد و هرچه بیشتر آن را درک نماییم. اعلان ایدئولوژی رهایی زنان و رهنمود خودسازی حزبی بر بنیان این ایدئولوژی همان سالی تحقق یافت که این توطئه عملی شد. این ایدئولوژی در تاریخ ۸ مارس ۱۹۹۸ اعلان شد.

پس می‌توان به‌راحتی ادعای خود را مورد اساسی‌ای که این توطئه هدف قرار داد کرد کرد بود که در راستای ایدئولوژی رهایی زنان، سازماندهی و خودسازی حزبی را مبنای قرار داده بود. یکی از دلایلی که سبب شد توطئه‌ی بین‌المللی تا بدین میزان همه‌جانبه، ژرف و ظلمانی باشد نیز ایدئولوژی آزادی زنان بوده است. چرا که این ایدئولوژی به‌معنای جنگی است بزرگ که در برابر ایدئولوژی مردسالار و هر آنچه که در پیرامون آن شکل گرفته است (اعم از ساختاربنده‌ی‌های اجتماعی، نیروها، دولت‌ها و...)، با توسل به این ایدئولوژی زنان کرد در برابر نیروهای نظام، ایستار مقاوم و آزادی‌خواهی را از خویش به نمایش خوانند نهاد. هدف رهبر آپو از اعلان این ایدئولوژی تجدید ساختار سازمان و گذار از انسدادی بود که در سیاست، مبارزه‌ی گریلائی، طرز جنگ، رویکردهای تاکتیکی و نگرش‌های مربوط به زندگی به‌وجود آمده بود تا بتواند فلسفه‌ی حیات آزاد را هرچه بیشتر آشکار سازد. واقعیتی که در پیرامون این ایدئولوژی پدید آمد سازمانی توانمند، زنی آگاه، خلقی مقاوم، جامعه‌ی دموکراتیک و مبارزه‌ی بود که هر روز در حال گسترش می‌باشد.

در این معنا و مفهوم می‌توان اعلان ایدئولوژی رهایی زنان را عبارت از حمله‌ی قلمداد نمود بر ضد نظام سرمایه‌ی گلوبال. به‌رغم آنکه توطئه علیه مبارزه‌ی آزادی‌خواهی زنان و مقاومت دموکراتیک خلق به‌صورتی بی‌وقفه تجدید ساختار می‌کند، اما بی‌تأثیر شده و نیرویش را از دست داده است. درست به‌مانند شکست رژیم ایران - که بخشی از این توطئه بود- در برابر ملیتان‌های راه آزادی. چرا که اعدام نمودن بارز ناکامی این رژیم در برابر مبارزاتی است که حتی تا آخرین دقیقه نیز در صدد به تسلیمیت گرفتن آنان بود. در لحظه‌ی آن اعدام‌ها آنچه که برای

همیشه ماندگار خواهد ماند ارزش‌های مقاومت و آزادی‌خواهی است؛ درست به‌مانند مقاومت و آزادی‌خواهی رفقایمان عکید، فرزاد، شیرین، فرهاد، علی و همین. آنچه که در مبارزه علیه این توطئه به‌وجود آمد مقاومت و عملکردی انقلابی است که در نتیجه‌ی رشادت شیرین، روزبین، زیلان، پروار و دیگر زنان مبارز به‌میان آمده است. این عملکرد بیانگر این مورد است که در کردستان تنها یک حقیقت می‌تواند وجود داشته باشد: آزادی رهبر آپو و مبارزه و مقاومت در راه آزادی وی.



**رهبران چپ ترکیه در دهه ۸۰ عملکردها و دیدگاههای او در رابطه با مساله‌ی شخصیت و گذار از نگرش ماتریالیستی خشن و صرفاً طبقاتی را گذار از لنینیسم عنوان می‌کردند. مساله‌ی اصلی برای رهبر آپو تنها ایجاد تفاوت راهبردی با سوسیالیسم شوروی نبود، بلکه یافتن جواب برای پرسش‌هایی از این دست بود که آیا می‌توان در پی قدرت و اقتدار بود و دم از آزادی خواهی زد؟ آیا می‌توان در پی ایجاد دولت بود و مدعی آزادی انسانها بود؟ چگونه می‌توان جنگید اما اجازه نداد که اربابان جنگ، اهداف انسانی و آزادی خواهی را لگدمال کنند. چه چیزی می‌تواند مانع از آن شود که انقلابیون امروز به دیکتاتورهای فردا مبدل شوند؟ آیا می‌توان از عشق به آزاد زیستن سخن به میان آورد و غرق در فرهنگ مردسالاری بود؟**

محصول مرحله‌ای از تحول در اندیشه‌ی رهبری بود که در تمامی سال‌های مبارزاتی وی و به خصوص در دهه‌ی ۹۰ جریان

داشت. توطئه‌ی ۱۵ فوریه در واقع تلاش قدرت‌ها جهت ممانعت از این تحول و عملی شدن آن در درون جنبش PKK و جامعه‌ی کرد بود. پافشاری بر ادامه‌ی این تحول فکری از جانب رهبر آپو در مرحله‌ی امرالی و نگاشتن دفاعیات، در واقع اصرار در تکمیل این مرحله و بی‌نتیجه ساختن توطئه‌ی بین‌المللی علیه وی، خلق کرد و جنبش آزادی خواهی این خلق می‌باشد. توطئه‌ی ۱۵ فوریه از این منظر اقدامی جامعه‌ستیز، ضد ارزش‌های آزادی خواهانه‌ی اجتماعی، اقدامی علیه تحول فکری و یک ضدانقلاب اندیشه‌ی است. دفاعیات رهبر آپو هم توان و هم راهکار مبارزه با این توطئه‌ی ضدانسانی، ضداجتماعی و ضد فکری را به همه‌ی آزادی خواهان اعطا می‌نمایند.

گام برداشته است. چنین پارادایمی از لحاظ سیاسی منجر به انتقال مبارزه‌ی سیاسی از گستره‌ی جنگ قدرت میان احزاب مخالف دولت به گستره‌ی نبرد آزادی خواهی میان جامعه‌ی زنده و پویا علیه نهادهای انحصارطلب قدرت و دولت و تأثیرات آن است. این امر مستلزم مبارزه‌ی فراگیر علیه نظام قدرت می‌باشد نه صرفاً نبرد با یک رژیم حکومتی خاص. دولت‌گرایی، ملی‌گرایی، جنسیت‌گرایی همه انعکاسی از ذهنیت برساخته‌ی نظام قدرتمند و آزادی خواهی مستلزم گذار از آنهاست. اگر در گذشته همه‌ی نهضت‌های مبارز علی‌رغم حسن نیت با حرکت در مسیر پارادایم قدرت و دولت در نهایت چاره‌ای جز ضمیمه‌گشتن به نظامی را که علیه آن مبارزه می‌کردند نداشتند، آزادی خواهان با مبارزه در مسیر پارادایم جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی به تمامی از نظام قدرت گسسته و در مسیر انسانی و اجتماعی قرار می‌گیرند. قدرت‌مداران دیگر نمی‌توانند امیدی به بازگشت انقلابیون به صفوف خود داشته باشند و این زنگ خطری برای آنهاست. رهبر آپو در طول دهه‌ی نود در تلاش ایجاد این دگرگونی در نگرش و شیوه‌ی مبارزاتی بود؛ اما در این راه به موفقیت کامل دست نیافت. پافشاری وی در کشاندن PKK به خط‌مشی

مبارزاتی نوین و استراتژی چاره‌یابی دموکراتیک و زدودن آثار ذهنیت اقتدارگرا از جنبش و فرد مبارز و جهت‌دهی آن به سوی فعال نمودن جامعه، احساس خطر را در همه‌ی قدرت‌ها و دولت‌های منطقه‌ای و جهانی برانگیخت. رهبر آپو در سخنان خود در سال ۹۸ کاملاً از مبارزه برای چنین تغییری خبر می‌داد. توطئه‌ی ۱۵ فوریه در راستای متوقف نمودن تلاش‌های رهبری و در جهت تحمیل شیوه‌ی مبارزه‌ی سنتی به خلق کرد که عصبان و سرکوب تقدیر شوم او بود انجام گرفت. اگرچه نظم‌بندی نهایی اندیشه‌های رهبری در مرحله‌ی امرالی و در انزوای زندان انجام گرفت اما باید دانست که این خود

این یک واقعیت آشکار است که رهبر آپو هرگز بطور کامل در مسیر تعالیم دیدگاه‌ها و راهکارهای عصر خود عمل نمود و حتی لحظه‌ای از تردید در مورد آنها و مواخذه‌شان بازنیستاد. رهبران چپ ترکیه در دهه‌ی ۸۰ عملکردها و دیدگاه‌های او در رابطه با مساله‌ی شخصیت و گذار از نگرش ماتریالیستی

خشن و صرفاً طبقاتی را گذار از لنینیسم عنوان می‌کردند. مساله‌ی اصلی برای رهبر آپو تنها ایجاد تفاوت راهبردی با سوسیالیسم شوروی نبود، بلکه یافتن جواب برای پرسش‌هایی از این دست بود که آیا می‌توان در پی قدرت و اقتدار بود و دم از آزادی خواهی زد؟ آیا می‌توان در پی ایجاد دولت بود و مدعی آزادی انسانها بود؟ چگونه می‌توان جنگید اما اجازه نداد که اربابان جنگ، اهداف انسانی و آزادی خواهی را لگدمال کنند. چه چیزی می‌تواند مانع از آن شود که انقلابیون امروز به دیکتاتورهای فردا مبدل شوند؟ آیا می‌توان از عشق به آزاد زیستن سخن به میان آورد و غرق در

**جامعه‌ای که خود توان تشخیص و تعریف نیازهای زندگی و پایه‌ریزی قواعد آن یعنی اخلاق و برنامه‌ریزی برای این زندگی اجتماعی (سیاست) را داراست جامعه‌ای است که به سوی آزادی گام برداشته است. چنین پارادایمی از لحاظ سیاسی منجر به انتقال مبارزه‌ی سیاسی از گستره‌ی جنگ قدرت میان احزاب مخالف دولت به گستره‌ی نبرد آزادی خواهی میان جامعه‌ی زنده و پویا علیه نهادهای انحصارطلب قدرت و دولت و تأثیرات آن است. این امر مستلزم مبارزه‌ی فراگیر علیه نظام قدرت می‌باشد نه صرفاً نبرد با یک رژیم حکومتی خاص. دولت‌گرایی، ملی‌گرایی، جنسیت‌گرایی همه انعکاسی از ذهنیت برساخته‌ی نظام قدرتمند و آزادی خواهی مستلزم گذار از آنهاست.**

فرهنگ مردسالاری بود؟ رهبر آپو در جستجوی دستیابی به جواب این پرسش‌ها سیر تکاملی فلسفی و اندیشه‌ای خود را طی نموده است. این سیر تکاملی در واقع گام نهادن مصرانه‌ی رهبر آپو در مسیر دستیابی به حقیقت انسان و جامعه است که در نتیجه‌ی آن به تحلیل پدیده‌ی قدرت و دولت پرداخته و آنها را بعنوان مکانیزم‌های اصلی انحصار و استثمار ارزشهای جامعه‌ی طبیعی می‌شناسد. این پارادایم نوین است که به تکامل مبارزات آزادی بخش خلق کرد و حیاتی نوین برای جامعه‌ی کردستان منجر شده است. در این پارادایم جریان جامعه و زندگی طبیعی و فرهنگی آن بعنوان بخش اصلی تاریخ انسان تحت نام تمدن دموکراتیک کاملاً مجزا از نظام انحصارگرای قدرت و دولت (تمدن دولت‌گرا) مطرح

می‌شوند. در این صورت آزادی خواهی با گام برداشتن در مسیر تمدن دموکراتیک و احیاء و توان بخشی به همه‌ی هویتها و نیروهای اجتماعی و زدودن آثار قدرت از روی ذهنیت فرد و جامعه میسر می‌شود نه با توسل به نهادهای قدرت و دولت. این انقلاب فکری بزرگ هم نقاب از چهره‌ی قدرت‌طلبان برمی‌گیرد و هم با ایجاد اعتماد به نفس و خودشناسی در میان افراد، نیروها و هویت‌های اجتماعی متفاوت، عدم نیاز آنها به دولت و توان آنها برای خودمدیریتی و در نتیجه‌ی آن آزاد زیستن و اجتماعی زیستن را به دنبال خواهد آورد. جامعه‌ای که خود توان تشخیص و تعریف نیازهای زندگی و پایه‌ریزی قواعد آن یعنی اخلاق و برنامه‌ریزی برای این زندگی اجتماعی (سیاست) را داراست جامعه‌ای است که به سوی آزادی

**توطئه‌ی ۱۵ فوریه در راستای متوقف نمودن تلاش‌های رهبری و در جهت تحمیل شیوه‌ی مبارزه‌ی سنتی به خلق کرد که عصبان و سرکوب تقدیر شوم او بود انجام گرفت. اگرچه نظم‌بندی نهایی اندیشه‌های رهبری در مرحله‌ی امرالی و در انزوای زندان انجام گرفت اما باید دانست که این خود محصول مرحله‌ای از تحول در اندیشه‌ی رهبری بود که در تمامی سال‌های مبارزاتی وی و به خصوص در دهه‌ی ۹۰ جریان داشت.**





# هیچ کس نخواهد توانست خورشید ما را به ظلمت بکشاند

۱۵ فوریه را از یاد نخواهیم برد

ماموستا ژيروان

اگرچه همه‌ی جهانیان از توطئه‌ای که در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ به وقوع پیوست مطلع گشتند، اما از تفسیر جوانب مختلف این رویداد ناتوان ماندند. زیرا بزرگ‌ترین مراکز خبررسانی جهان در دست غربی‌ها و صهیونیست‌ها (بانیان اصلی طرح‌ریزی و اجرای توطئه‌ی ۱۵ فوریه) می‌باشد. آنان به‌طور عامدانه و در جهت کتمان حقایق، سانسور به‌عمل آوردند. سیستم سرمایه‌داری برای خاورمیانه پروژه‌ی وسیعی در دست داشت و می‌بایست نیروهایی را که در مسیر دست‌یابی به اهدافش ایجاد مانع می‌کردند، نابود می‌ساخت. برای اجرایی‌نمودن نقشه‌های پلیدش، از نیروهای مزدور منطقه‌ای نیز استفاده نمود.

یکی از نیروهای مستقل و مردمی که در خاورمیانه فعال بود، PKK بود. دستگیری «رهبر آپو» با همکاری همه‌ی دولت‌های وابسته و حلقه‌به‌گوش آمریکا و هم‌پیمانانش در سطح جهان و منطقه انجام گرفت. بدین ترتیب خلق کرد، رهبر خود را در دست پلید جنایت‌کاران دوران، اسیر و چشم‌بسته در صفحه‌ی تلویزیون‌ها مشاهده کرد. اما خلق‌مان در برابر این توطئه ساکت ننشست و دست به اعتراضاتی گسترده زد. «رهبر آپو» نیز توانست با افشاندن دست‌های پشت‌پرده، عمق و ابعاد توطئه را روشن نماید. نیروهای توطئه‌گر در تداوم توطئه خواستند تا با نفوذ در صفوف جنبش آزادی‌خواهی خلق کرد، در میان آنان چنددستگی و انحراف به‌وجود آورند. اما این مرحله از توطئه نیز با شکست روبه‌رو شد.

«رهبر آپو» مدت مدیدی است که در انزوای مطلق، دست به مقاومت بی‌نظیری زده است. رهنمودهایش، در تسریع دست‌یابی به آزادی خلق‌مان کمک شایانی نموده است. خلق کرد مصمم به انتقام‌گیری از توطئه‌گران می‌باشد و با پابندی به رهنمودهای «رهبر آپو» و عملی‌سازی آن‌ها، روزبه‌روز مبارزه‌اش را گسترده‌تر و باشکوه‌تر از قبل به‌پیش می‌برد.

هر روز نقشه‌هایی را طرح‌ریزی می‌کنند که در تضاد با موازین اخلاقی و انسانی‌اند. این دول منفعت‌پرست، به‌رغم تمامی اختلافات و مناقشات سیاسی‌شان، در مسئله‌ی کرد هم‌پیمان می‌شوند. اما مقاومت خلق و گریلا، تمامی این هم‌پیمانی‌های شوم را به شکست وامی‌دارد. به‌راستی چه کسی می‌توانست تصور کند که روز سیاهی همانند ۱۵ فوریه نه تنها نقطه‌ی پایان زندگی نباشد، بلکه زندگی نوینی بیافریند؟! می‌خواستند همه‌ی امید خلق‌مان را در دل ظلمت ۱۵ فوریه بمیرانند، اما با ایستار تاریخی «رهبر آپو، خلق و جنبش‌مان» این‌گونه نشد و داستان مقاومت و مبارزه هنوز ادامه دارد.

دیاکو کلهر

روز ۱۵ فوریه، نمایانگر مصائب تلخ خلق کرد می‌باشد. یادآور اعدام شیخ سعید، سیدرضا درسیمی، قاضی محمد و قتل‌عام تراژیک حلبچه و انفال است. هجوم ددمنشانه‌ی ۱۵ فوریه نه تنها علیه خلق کرد، بلکه یورش به تمام مبانی انسانی و اخلاقی است.



هدفش نابودی پویایی خلق کرد جهت ممانعت از کسب آزادی می‌باشد. امروزه شاهد ادامه‌ی توطئه‌ی ۱۵ فوریه از سوی دولت‌های حاکم بر کردستان می‌باشیم. جمهوری به‌ظاهر اسلامی ایران هم‌راستا با این سیاست کلی و عملی نمودن آن در شرق کردستان، از سویی با اجرای حکم اعدام جوانان آزادی‌خواهی همچون حسین خضری بر اجرای سیاست انکار و امحای جنبش آزادی‌خواهانه‌ی

خلق کرد اصرار می‌نماید و از سوی دیگر، در جنوب کردستان با جذب احزاب و اشخاص سرسپرده و بی‌اراده‌ی نظیر هوشیار زیباری، حکم تأییدکننده و مشروعیت‌بخش اعمال غیرانسانی خود را اخذ می‌کند. انجام این اعمال غیرانسانی در ایامی که نزدیک به سالگرد سیاه ۱۵ فوریه است، نمایان‌گر تداوم این توطئه می‌باشد.

تربیفه گلینی

بدن شک هر کس در طول حیاتش با رویدادها و پیشامدهایی روبرو شده که تحت تاثیر آنها مسیر زندگی‌اش را تغییر داده است. من نیز جزو کسانی بودم که خبر توطئه‌ی شوم ۱۵ فوریه و به اسارت گرفتن رهبر آپو همچون ضربه‌ای بر جودم فرود آمد و مرا از ظلمت، از خودبیگانگی و غفلتی که در آن بودم درآورد. واکنش‌ها و تظاهرات خلق‌مان در هر چهار بخش کردستان تداعی‌گر سپرهای زنده بود که با رهبری سوگند نیل به آزادی آن هم به هر بهایی که شده باشد را بر زبان آورده بودند. صدای خلق‌مان در کوچه‌پس‌کوچه‌های سنندج و شعارهایی که برضد این توطئه سرمی‌دادند مرا از خواب غفلت بیدار کرد و تصمیم گرفتم عضوی باشم از مبارزان راه آزادی و انقلاب؛ چرا که بهترین کار این است که شکل دیگری از حیات را برگزید که در تضاد با نظام حاکم است.

شروان گریلا

من در چنین روزی احساس شرم می‌کنم که رهبرمان به‌علت رفاقت ناکافی ما مجبور است در چنین مکانی زندگی کند. بیش از دوازده سال در محیط بسته‌ای که هیچ‌گونه رابطی با بیرون ندارد، به اسارت گرفته شده‌است. برای من حتی تصور کردن چنین شرایطی نه برای چند سال بلکه حتی برای چند روز نیز بسیار دشوار می‌نماید. البته در کنار آن احساس غرور و خوش‌بختی نیز می‌کنم؛ این احساس به‌علت داشتن رهبری این چنینی که با مقاومت بی‌نظیر و رهنمودهایش به ما نیرویی عظیم برای مبارزه جهت دست‌یابی به آزادی بخشید، به من دست می‌دهد. رهبر آپو به ما آموخت که جستجوی حقیقت هیچ مانعی را برنمی‌تابد. به ما آموخت که مسیر حقیقت و آفریدن زندگی‌ای زیبا و آزاد، مبارزه‌ای مستمر می‌طلبد. به ما آموخت مبارزی خستگی‌ناپذیر، دوست‌دار انسان و عاشق آزادی می‌تواند در این راه، طی طریق کند.

## گریلا،

# فدایی رهبر آپو و خلق کرد است



# حماسه‌ای دیگر در تاریخ مقاومت و آزادی

## حسین خضری،

همرمز شهید

زیستن است. او خلق خود را شایسته‌ی چنین حیات‌می‌داند، از همین رو وعده و وعید شکنجه‌گران، شکنجه‌های سخت و نهایتاً چوبه‌ی دار هیچ خللی در اراده‌اش ایجاد نمی‌کند. حسین می‌خواهد خود و خلقتش، آزاد زندگی کنند و نظام یزیدی احمدی‌نژاد و مزدورانش را رسوا سازد. دولت ضداسلامی ایران با همه‌ی کینه‌توزی خود ارزش‌های انسانی را لگدمال می‌سازد، شکنجه، تجاوز، زندان و اعدام نمادهای این دولت‌اند. می‌خواهند خلق کرد را بدین طریق ترسانیده و مطیع سازند. شدیدترین سیاست‌های جامعه‌کنشی و استحصالی فرهنگی را علیه جامعه به کار می‌برند تا آن را بی‌هویت سازند، اما مقاومت شهدایی همچون عگید، احسان، فصیح، فرزاد، شیرین، علی، فرهاد و حسین بی‌نتیجه‌بودن این سیاست‌ها را اثبات نمود.

دولت می‌خواست تا با اعدام این کادرهای پیشاهنگ، از خلق کرد زهرچشم بگیرد اما اعدام آنان خلق را بر مطالبات دموکراتیک خود مصترت ساخت. زیرا خلق کرد اعدام این پیشاهنگان قهرمان را تلاشی برای اعدام تاریخ و هویت خود می‌داند. به همین دلیل در برابر این نوع توطئه‌گری می‌ایستد و با گسترده‌تر ساختن حیطه‌ی مبارزات خود به مقابله با آن می‌پردازد. لازم است امسال با الگو قرار دادن ایستار قهرمانانه‌ی رفقای شهیدمان که در زندان‌های ایران ظلمت خیانت را دردم شکستند، توطئه‌ی ۱۵ فوریه را محکوم نماییم. همچنان که رهبر آپو در سخنان خود گفت: ۱۵ فوریه،

تاریخ قتل‌عام خلق کرد است. برای رویارویی با قتل‌عامی که علیه خلق‌مان صورت می‌گیرد بایستی دست به مقاومتی همه‌جانبه زد. طی بهار امسال این مقاومت در زندان اوین شکل گرفت. کادرهای مبارز پژاک شهید فرزاد، شیرین، علی و فرهاد که در مکتب رهبر آپو پرورش یافته بودند، طلایه‌دار مبارزه شدند. اینان بهتر از هر کسی می‌دانستند که شرق کردستان به چه چیزی نیاز دارد. دیگر زمان آن سر رسیده که به سخن گفتن کفایت شود؛ بایستی وارد میدان عمل گردید. شهید حسین خضری نیز با تداوم راه این شهدا بار دیگر به ما گوشزد نمود که امسال اگرچه بر شدت یورش دشمنان آزادی خلق افزوده شده، اما با مقاومتی باشکوه می‌توان به پیروزی رسید. شهید حسین، خود از اعضای جوان پژاک بود و با روحیه‌ی پرشور خود فعالیت می‌کرد. شهید حسین خضری، الگوی شکست‌ناپذیری، روحیه‌ی انقلابی و غلبه بر دشمن است. در این برهه از تاریخ، بایستی وی را الگوی زندگی و مبارزه قرار داد. زیرا تنها با چنین روحیه و شخصیتی می‌توان توطئه‌ی تازه‌ی دولت‌های منطقه را درهم‌شکست. هنگامی که توطئه‌گران، رهبر آپو را به شیوه‌ای ناجوانمردانه و به‌دور از اخلاق دستگیر نمودند و در جزیره‌ی امرالی زندانی کردند، رهبر آپو تمام نظام جهانی سرمایه‌داری را با مقاومت تاریخی خود به محاکمه و مؤاخذه کشانید. این تنها راه برای دفاع از خلق کرد بود. این شیوه‌ی مبارزه‌ی رهبر آپو باعث گردید تا خلق کرد در برابر نظام وحشی سرمایه‌داری قادر به مقاومت و تداوم حیات اجتماعی خود شود. در شرق کردستان نیز تنها با توسل به همین ایستار مبارزاتی می‌توان خلق‌مان را از نسل‌کشی فرهنگی، هویتی و سیاسی نجات بخشید. شهید حسین خضری که بر این حقیقت واقف بود، به رهرو راستین رهبر آپو مبدل شد تا ارزش‌های خلق خویش را پاس بدارد و از موجودیت آن دفاع نماید. لازم است امسال با اقتدا به این شهید و سایر شهدای پیشاهنگ‌مان، توطئه‌ی ۱۵ فوریه را از بیخ‌وبن خشتی سازیم. زیرا تنها بدین شیوه می‌توان لایق یاد و خاطره‌ی این شهید و سایر شهدای جنبش آزادی‌خواهی گردید.

**شخصیت‌های مبارز بسیاری در پژاک شکل گرفتند. شهید حسین خضری (همین ارومیه) نیز یکی از این شخصیت‌های پیشاهنگ است. این پیشاهنگان که فدایی خلق کرد می‌باشند، به‌خوبی از اهداف پلید دولت‌های منطقه و سیاست‌هایشان آگاهند. هدف تمامی دولت‌ها از توطئه‌ی عظیم ۱۵ فوریه، تسلیم‌گیری خلق‌مان و وارد کردن آن به بازی‌های سیاسی خود بود. هنوز هم بر همان هدف تأکید می‌کنند. اما روح مقاومتی که رهبر آپو در ملت‌نانه‌ی این جنبش ایجاد نمود، تمامی این نقشه‌ها را خنثی ساخت. چه آنکه شهید حسین خضری نیز تا به آخر بر آرمان‌های خلق خود اصرار ورزید و حاضر نشد به بهای رهاشدن جان خود، تن به ننگ خیانت بسپارد.**

۱۵ فوریه برای نظام جهانی سرمایه‌داری و دولت-ملت‌های منطقه رسوایی و شکست بود. زیرا رهبر آپو تسلیم نقشه‌های شوم آنان نگردید و امرالی را به جبهه‌ی پیشین مقاومت برای آزادی مبدل ساخت. در شرق کردستان نیز خلق‌مان با اعتراضات دامنه‌دار خود در برابر دستگیری رهبر آپو، فریاد برآورد که خواهان حیات‌ی آزاد و شرافتمندانه است. شرق کردستان برای خنثی کردن توطئه‌ی ۱۵ فوریه شهدای بسیاری تقدیم نمود. برای گرامیداشت یاد این شهدا و ارج نهادن به این اراده‌ی پولادینی که خلق‌مان در برابر دیدگان متحیر جهان به نمایش نهاد، حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) بنیان نهاده شد. بدین ترتیب اراده‌ی که خلق‌مان در برابر توطئه‌ی ۱۵ فوریه نشان

**شهید حسین خضری نشان داد که برای رسیدن خلقتش به آزادی، حاضر به دادن کوچک‌ترین امتیازی به دشمن نیست. وی با دفاع جانانه‌ی خود در زندان‌های رژیم، داغ بر دل شکنجه‌گران خود نهاد. زیرا نه تنها تن به اعتراف و تسلیمت نسپرد، بلکه با مرگ شرافتمندانه‌ی خود در راه آرمان‌های خلقتش، آینده‌ی پیروز کردستان را تضمین نمود. شهید همین، خود را به سنگری پرصلاطت در برابر یورش توطئه‌گران مبدل کرد. زیرا به خوبی واقف بود که در این مرحله از مبارزات، خلق کرد بیش از هر زمان دیگری به آزادی و تأسیس نظام دموکراتیک خود نزدیک است و باید برای این خلق شایسته‌ترین فرزند بود.**

داد، نهادینه و سازماندهی گردید. شخصیت‌های مبارز بسیاری در پژاک شکل گرفتند. شهید حسین خضری (همین ارومیه) نیز یکی از این شخصیت‌های پیشاهنگ است. این پیشاهنگان که فدایی خلق کرد می‌باشند، به‌خوبی از اهداف پلید دولت‌های منطقه و سیاست‌هایشان آگاهند. هدف تمامی دولت‌ها از توطئه‌ی عظیم ۱۵ فوریه، تسلیم‌گیری خلق‌مان و وارد کردن آن به بازی‌های سیاسی خود بود. هنوز هم بر همان هدف تأکید می‌کنند. اما روح مقاومتی که رهبر آپو در ملت‌نانه‌ی این جنبش ایجاد نمود، تمامی این نقشه‌ها را خنثی ساخت. چه آنکه شهید حسین خضری نیز تا به آخر بر آرمان‌های خلق خود اصرار ورزید و حاضر نشد به بهای رهاشدن جان خود، تن به ننگ خیانت بسپارد. زیرا او می‌خواست امید خلق خود را به سرانجامی پیروز واصل نماید. شهید حسین خضری از خود ورسته و به بخشی گسست‌ناپذیر از تاریخ پرشکوه خلق کرد مبدل شد؛ او آزادی خود را در آزادی میهنش می‌دانست، از همین رو آگاه بود که تن سپردن به خواست شکنجه‌گران همانا پشت نمودن به تاریخ آزادی است. او با موضع‌گیری مقاوم خود، دشمن را در خانه‌اش زندان، به زانو درآورد. زیرا این شیوه‌ی زندگی را از رهبر آپو آموخته بود. حسین می‌داند که هر لحظه مقاومتی که به خرج می‌دهد مبدل به تاریخی فراموش‌ناشدنی می‌شود. هر لحظه مقاومت در برابر شکنجه و نهایتاً سرفرازانه سر به دار سپردن، تنها راه شرافتمندانه

در حالی به سالروز توطئه‌ی ۱۵ فوریه و دستگیری رهبر خلق کرد (رهبر آپو) نزدیک می‌شویم که مرحله‌ی دیگری از هم‌پیمانی‌های شوم دولت‌های منطقه علیه خلق‌مان آغاز شده است. طی یکی دو ماه اخیر دولت‌های ایران-ترکیه-عراق و سوریه جهت تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی خود علیه خلق کرد، نشست‌های بسیاری با هم صورت دادند. برخی سیاست‌مداران کردی که همه‌ی ارزش‌های خلق‌مان را به بازار حراج برده و خود را تسلیم سیاست‌های دولت ضدانسانی احمدی‌نژاد نموده‌اند، نظیر هوشیار زبیری نیز در این توطئه جای گرفته‌اند. نتیجه‌ی آن نیز تروریست‌خواندن پژاک از جانب وی و تأیید حکم اعدام رفیق حسین خضری (شهید همین) توسط جلاخان آزادی‌ستیز جمهوری اسلامی بود.

این توطئه‌ی تازه که در برابر موج روزافزون آزادی‌خواهی خلق کرد ایجاد شده است، هدفش ممانعت از برقراری نظام خودمدریته‌ی دموکراتیک در کردستان است. زیرا این نظام دموکراتیک با منافع پلید این دولت‌ها و مزدورانشان در تضاد است. ایران، ترکیه، عراق و سوریه می‌کوشند تا با گسترش جبهه‌ی اسلام سیاسی، بر نفوذ خود در منطقه بیفزایند. تنها خلقی که توانسته خارج از چارچوب اهداف پلید آنان حرکت کند، خلق کرد است. از همین رو این دولت‌ها سعی دارند تا به‌رغم خصومت‌های دیرینه‌ی که با هم دارند، سیاست مشترکی را علیه خلق کرد و جنبش آزادی‌خواهی‌اش

اعمال نمایند. با این حال همچنانکه توطئه‌ی ۱۵ فوریه با قیام خلق کرد در اقصی نقاط جهان خنثی گردید و صدها انسان آزادی‌ی کرد با جانفشانی از آرمان‌های خلق و رهبر آپو دفاع کردند، در مرحله‌ی اخیر نیز ملت‌نانه‌ی تسلیم‌ناپذیر پژاک با ایستار انقلابی خود در زندان‌های دولت ایران این توطئه‌ی تازه را با شکست مواجه کردند. شهید حسین خضری نشان داد که برای رسیدن خلقتش به آزادی، حاضر به دادن کوچک‌ترین امتیازی به دشمن نیست. وی با دفاع جانانه‌ی خود در زندان‌های رژیم، داغ بر دل شکنجه‌گران خود نهاد. زیرا نه تنها تن به اعتراف و تسلیمت نسپرد، بلکه با مرگ شرافتمندانه‌ی خود در راه آرمان‌های خلقتش،

آینده‌ی پیروز کردستان را تضمین نمود. شهید همین، خود را به سنگری پرصلاطت در برابر یورش توطئه‌گران مبدل کرد. زیرا به خوبی واقف بود که در این مرحله از مبارزات، خلق کرد بیش از هر زمان دیگری به آزادی و تأسیس نظام دموکراتیک خود نزدیک است و باید برای این خلق شایسته‌ترین فرزند بود. او شایستگی‌اش را در زیر شکنجه‌ها، در سلول‌های انفرادی اطلاعات، در هنگام محاکمه و نهایتاً در روز اجرای حکم نشان داد. بدین ترتیب قهرمانی شهید همین، صفحه‌ای زرین بر رمان آزادی خلق‌مان افزود. محاصل توطئه‌ی



# حقیقت، عشق است و عشق، زندگی آزاد

رهبر آزادی



لحظه‌ی میلادی دیگر از پس فضای بی‌رنگ  
تهیگی  
جشن میلاد را نه در «دیاریکر»  
که در نقطه‌ی ثقل وجودم  
در گرم فضای سرخ قلبم خواهم  
گرفت  
تا بتوانم از پس تعمیدی سرخ‌گون دگربار برخیزم  
میلاد پیروز باد «ای  
برادر، ای هم‌خون» ای هم‌روستایی

۵ بهمن ۱۳۸۹  
گریلا

در هنگامه‌ی فضای بی‌فضایی،  
فضای سرد تهیگی بود  
که دار بودن پابوست گشت  
هراس مرگ از مرگ را نشنیده بودم  
و پایکوبی طناب دار برای رهایی، برای معراج  
تو بودی که مرا آموختی مرگ را  
نیز می‌توان گشت  
چرا که دریای بی‌کرانه‌ی بودند همه هستی است،  
همه یکی بودن و یکی گشتن  
یکی گشتن و بودن با  
هرآنچه که در پیرامون است  
در شعله‌ی زندگانی‌بخش زمانی ازلی و مکانی  
لایتناهی ذوب گشتن  
و این است لحظه‌ی سرخ عشق

میلاد  
شب بود که رفتی و یا روز نمی‌دانم  
شانه‌های کدامین شب و یا کدامین روز  
تاب بردوش کشیدنت را داشت؟  
از بس که سبکبال بودی چون یک روح  
نمی‌دانم کدامین شب و یا روز تاب آن را داشت  
تاب درد زایمان، درد میلادی دیگر، رویشی دیگر  
از پس معراج یک انسان بر سر چوبه‌ی  
دار!  
نه! نه شب بود و نه روز  
چرا که شب از عظمتت شرمسار  
بود و رویش قیرگون  
و روز در انتظار میلادی دیگر

## به نام عشق

رهبرم! امروز پانزدهم فوریه بود.  
یعنی بیست‌وشش بهمن ماه. امسال هم  
مثل هر سال، من پانزده فوریه را روزه  
گرفتم.

رهبرم! من این روز سیاه را هیچ وقت  
از یاد نمی‌برم. به‌خاطر آن روز، روزه  
بودم.

وقتی که خورشید غروب کرد و من  
و عاطفه برای غذا خوردن سر سفره  
نشسته بودیم، خاطرات آن روزهایی که  
در کنار هوآلان [= رفقای هم‌رزم] بودم،  
به ذهنم هجوم آوردند. تک تک رفقا از  
مقابل چشمانم رد می‌شدند. من در آن  
دنیا غرق شده بودم. در فکر آن بودم  
که بچه‌ها الان چه می‌کنند. آیا آنها هم  
الان در فکر من هستند؟

زن، زندگیست  
مقاومت زندگیست  
زندگی زیباست اگر که ما به چشم  
زیبا نگاه کنیم  
۲۶-۱۱-۸۸  
زندادان اوین  
شیرین علم‌هولی (روناهی)

